کتاب دعا

کاتب محمدعلی بن محمد مومن الحسنی الحسینی

۲۵/۱۰/۱۳۰۵

کربلای معلا هاذا

در نجف اشرف

السلام لا تبالی ان غی

مطابق ۵ شعبان المعظم

۱۱ جیت سال ۱۳۰۵

خدا بیامرزد

انوا که این

کتاب را خرید

و کذا داده است

برای آنان که

همه روزه

بخوانند کتاب را

و جبر نکنند کتاب را

۱۳۷۴/۱۴۲۹

۱۳۳۳/۹/۵

خدا بیامرزد آنوا که این کتاب را

نوشته است انشاء الله

۵/۹/۱۳۳۳ خدا بیامرزد انوا که

این کتاب را خریده و کذا داده است از

برای انانیکه همه روزه بخوانند این کتاب را

و جبر نکنند این کتاب را انشاء الله

ولا يؤذى و لا آذى

فمودهر کس بعد از نماز صبح این دعا را بخواند حق تعالی چهار ملک بر او موکل گرداند که از چهار طرف او را محافظت نمایند و اگر جمیع خلایق جمع شوند برای اذیت کردن او نتوانند باو ضرر برسانند

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله اصبحت وعلی الله توکلت بسم الله علی دینی وعقلی بسم الله علی قلبی ونفسی بسم الله علی اهلی ومالی بسم الله علی ما اعطانی ربی بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء وهو السمیع العلیم الله الله الله ربی ولا اشرک به شیئا الله اکبر الله اکبر الله اکبر واعز واجل مما اخاف واحذر عز جارک وجل ثناؤک ولا اله غیرک اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی ومن شر کل سلطان شدید

ومن

مرید

ومن شر کل شیطان ومن شر کل جبار عنید ومن شر قضاء السوء ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم وانت علی کل شیء قدیر ان ولی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین

دعائیکه جبرئیل بعنوان تحفه برای پیغمبر صلی الله علیه وآله آورده است

بسم الله الرحمن الرحیم یا عماد من لا عماد له یا ذخر من لا ذخر له یا عز من لا عز له یا کنز من لا کنز له یا سند من لا سند له یا غیاث من لا غیاث له یا کریم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا دافع البلاء یا عظیم الرجاء یا انیس الضعفاء یا کنز الفقراء یا منجی الهلکی یا منقذ الغرقی یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل انت الذی سجد لک سواد اللیل وضوء النهار وشعاع الشمس

وَنُورِ القمر وَدَوِیِّ الماء وَهفیف الشجر
یا الله یا الله یا الله لا شریک لک لا اله الا
انت یا رب اللهم افتح علی ابواب الفرج بطول
رزقک الحلال الطیب وارزقنی من حیث احتسب
ومن حیث لا احتسب وافعل بی کذا و حاجت خود را
بطلب و بگو اسئلک یا الله یا الله یا رب یا رب
ان تصلی علی محمد وال محمد خاتم النبیین برحمتک
یا ارحم الراحمین دعای مجربست از عده الداعی در هر صبح و شام
الهی لا رب لی سواک فادعوه ولا اله لی غیرک
فارجوه انت الرب وانا العبد والعبد یخطی
والرب یعفو فان کانت دعوتی لک صادقة
ویقینی لک خالصا فاغثنی یا غیاث المست
غیثین اللهم انت ربی لا اله الا انت علیک
توکلت وانت رب العرش العظیم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله کان
وما

وما لم یشا لم یکن اعلم ان الله علی کل شیء قدیر
وان الله قد احاط بکل شیء علما واحصی کل
شیء عددا اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی
ومن شر من یمشی علی بطنه ومن شر
من یمشی علی رجلین ومن شر من یمشی
علی اربع ومن شر کل ذی شر ومن شر
کل دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی
صراط مستقیم برحمتک یا ارحم الراحمین

این دعای پشت خانه کعبه
در قنوت مناسبست خواندن

اللهم ان عندی افواجا من ذنوب وافواجا
من خطایا وعندک افواج من رحمة وافواج
من مغفرة یا من استجاب لابغض خلقه اذ قال
انظرنی الی یوم یبعثون استجب لی یا الله استجب لی یا الله
قنوت دیگر
رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل
عقدة من لسانی یفقهوا قولی رب انی مغلوب فانتصر
برحمتک یا ارحم الراحمین

سورة يس مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

يس والقرآن الحكيم إنك لمن المرسلين

ای محمد بحق قرآن با حکمت بدرستیکه تو هر آینه از جمله رسولانی

على صراط مستقيم تنزيل العزيز الرحيم

بر راه راست این فرستاده خدای غالب مهربانست

لتنذر قوما ما أنذر آباؤهم فهم غافلون

تا بیم کنی گروهی را که بیم کرده نشده اند پدران ایشان پس ایشان غافلانند

لقد حق القول على أكثرهم فهم لا يؤمنون

بدرستیکه ثابت شد گفتار بر بیشتر ایشان پس ایشان ایمان نمی آورند

إنا جعلنا في أعناقهم أغلالا فهي إلى الأذقان

بدرستیکه ما کردانیدیم در گردنهای ایشان غلها را پس آن تا زنخدانها باشد

فهم مقمحون وجعلنا من بين أيديهم سدا

پس ایشان سر بالا کردگان باشند و کردیم ما از پیش دستهای ایشان بندی

ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون

و از پس ایشان بندی پس کور کردانیدیم ایشان را پس ایشان نمی بینند

وسواء عليهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

و یکسانست بر ایشان که بیم کنی ایشان را یا بیم نکنی ایشان را ایمان نمی آورند

إنما تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن

بدرستیکه تو بیم کنی آنرا که پیروی کند قرآن را و بترسد از خدای بخشنده

بالغيب فبشره بمغفرة وأجر كريم إنا نحن

بی نهان پس بشارت ده او را بآمرزش و پاداشت نیکو بدرستیکه ما

نحيي الموتى ونكتب ما قدموا وآثارهم وكل

زنده میکنیم مردگان را و می نویسیم آنچه پیش کرده اند و آثار ایشان را و هر چیز را

شيء أحصيناه في إمام مبين واضرب لهم

شمرده ایم آنرا در لوح محفوظ روشن و بزن مر ایشان را

مثلا أصحاب القرية إذ جاءها المرسلون

مثل اصحاب ده که چون آمد ایشان را رسولان

إذ أرسلنا إليهم اثنين فكذبوهما فعززنا بثالث

چون فرستادیم ما ایشان را دو را پس بدروغ داشتند ایشان را پس قوت دادیم بسیوم

فقالوا إنا إليكم مرسلون قالوا ما أنتم إلا

پس گفتند بدرستی که ما بشما فرستاده گانیم گفتند نیستید شما مگر

بشر مثلنا وما أنزل الرحمن من شيء إن أنتم إلا

آدمی مانند ما و نفرستاد خدای بخشنده هیچ چیز نیستید شما مگر

تكذبون قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون

بدروغ میدارید گفتند رسولان پروردگار ما میداند که ما بشما هر اینه فرستاده گانیم

وما علينا إلا البلاغ المبين قالوا إنا

و نیست بر ما مگر رسانیدن روشن گفتند که ما

تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم

فال بد زدیم بشما هر اینه اگر باز نایستید هر اینه سنگسار کنیم شما را

منا عذاب أليم قالوا طائركم معكم أئن ذكرتم

از ما عذاب دردناک گفتند فال بد شما با شماست اگر پند داده شوید

بل أنتم قوم مسرفون وجاء من أقصا المدينة

بلکه شما گروهی هستید از حد گذرانان و آمد از نهایت شهر

رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين

مردی که میشتافت گفت ای قوم من پیروی کنید رسولان را

اتبعوا من لا يسألكم أجرا وهم مهتدون وما

پیروی کنید از آنکه نمیخواهد از شما اجری و ایشان راه یافتگانند و نبود

لي لا أعبد الذي فطرني وإليه ترجعون

مرا که نپرستم آنکه آفرید مرا و بسوی او باز گردانیده شوید

ءأتخذ من دونه آلهة إن يردن الرحمن بضر

آیا بگیرم غیر او را خدایانی اگر خواهد بمن خدای بخشنده زیانی

لا تغن عني شفاعتهم شيئا ولا ينقذون

بی نیاز نکند از من درخواست ایشان چیزی را و نتوانند رهانید

إني إذا لفي ضلال مبين إني آمنت بربكم

بدرستی که من هر اینه در گمراهی روشن ام بدرستی که من ایمان آوردم به پروردگار شما

فاسمعون قيل ادخل الجنة قال يا ليت

پس بشنوید از من گویند که برو در بهشت گفت ای کاش

قومي يعلمون بما غفر لي ربي وجعلني

قوم من میدانستند بانچه آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا

من المكرمين وما أنزلنا على قومه

از جمله گرامی دوستگان و نفرستادیم ما بر قوم او

من بعده من جند من السماء وما كنا منزلين

از پس او هیچ لشکری از آسمان و نبودیم ما فرو فرستندگان

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ
نیست این مگر آواز یکبار پس آنکه ایشان مردگان بودند
يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا
ای حسرت بر بندگان نیامد بایشان از رسولی مگر بودند
بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۞ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ
کزان استهزا میکردند آیا ندیدند چند بسیار هلاک کردیم ما پیش از ایشان
الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ وَإِن كُلٌّ
از امتها را که ایشان با ایشان باز نمیگردند و نیست همه
لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ
جز همه نزد ما حاضر شدگانند و نشانه بود مر ایشان را زمین
الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ
مرده مگر زنده کردیم آنرا و بیرون آوردیم از آن دانها را پس از آن
يَأْكُلُونَ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ
میخورند و کردانیدیم در آنجا بستانها از خرمابنها
وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا
و انگورستانها و جاری کردیم در آن از چشمها تا بخورند
مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
از میوه آن و نکردند آنرا دستهای ایشان آیا پس شکر نمیکنند

سبحان
منزه و پاکست

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ
منزه و پاکست خدائی که آفرید اصناف همه آنها از آنچه میرویاند
الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ
زمین و از تنهای ایشان و از آنچه نمیدانند
وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم
و نشانه بود مر ایشان را که در شب و دیم از آن روز را پس آنگه ایشان
مُّظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَٰلِكَ
در تاریکی اند و آفتاب میرود تا آرامگاهی که آنرا بود این
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ
اندازه خدای غالب دانا و ماه را اندازه کردیم از جایها
حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ
تا بر گردد مثل چوبان دیرینه نه آفتاب سزاوار
يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ
سزاوار آنرا که دریابد ماه را و نه شب پیشی گیرنده
النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا
روز را و هر یک در فلک تسبیح میکنند و نشانه بود مر ایشان را که ما
حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا
بار کردیم فرزندان ایشان را در کشتی رونده و آفریدیم

لهم من مثله ما يركبون وان نشاء نغرقهم

مر ایشانرا از مثلان آنچه سوار شوند واگر خواهیم غرق کنیم ایشانرا

فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون الا رحمة

پس نباشد فریادرسی مر ایشانرا ونه ایشان نجات داده شوند مگر رحمتی

منا ومتاعا الى حين واذا قيل لهم اتقوا

از ما وفایده تا هنگامی وچون گفته شود ایشانرا که بپرهیزید

ما بين ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون

آنچه پیش دستهای شماست وآنچه از پس شماست شاید شما رحمت کرده شوید

وما تاتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا

ونیامد ایشانرا هیچ نشانه از نشانها پروردگار ایشان مگر بودند

عنها معرضين واذا قيل لهم انفقوا مما

ازان گردانندگان وچون گفته شود مر ایشانرا که انفاق کنید از آنچه

رزقكم الله قال الذين كفروا للذين امنوا

روزی کرده شمارا خدا گویند آنها که کافر شدند مر آنهارا که گرویدند

انطعم من لو يشاء الله اطعمه ان انتم الا في

آیا طعام دهیم آنرا که اگر خواست خدا طعام دهد اورا نیستید شما مگر در

ضلال مبين ويقولون متى هذا الوعد

گمراهی روشن ومیگویند کی خواهد بود این وعده

ان كنتم صادقين ما ينظرون الا صيحة

اگر هستید شما راست گویان نگرانند مگر آوازی

واحدة تاخذهم وهم يخصمون فلا يستطيعون

یکتا که گیرد ایشانرا وایشان خصومت کنند پس نتوانایی ندارند

توصية ولا الى اهلهم يرجعون ونفخ في

وصیت کردن شمارا ونه بسوی اهل خود باز گردند ودمیده شود در

الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون

صور پس آنگاه ایشان از قبرها بسوی پروردگار خود میشتابند

قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد

گویند ای وای برما که برانگیخت مارا از گورهاء ما این است آنچه وعده

الرحمن وصدق المرسلون ان كانت

داد خدای بخشنده وراست گفتند رسولان نبود

الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون

مگر آوازی یکتا پس آنگاه ایشان همه نزد ما حاضر کرده شوند

فاليوم لا تظلم نفس شيئا ولا تجزون

پس امروز ستم کرده نشود هیچ نفسی چیزیرا وپاداش داده شوید

الا ما كنتم تعملون ان اصحاب الجنة

مگر آنچه بودید شما که میکردید بدرستیکه اهل بهشت در

الیوم فی شغل فاکهون ۝ هم وازواجهم فی
امروز در شغلی باشند خوش عیشان ایشان و زنان ایشان در
ظلال علی الارائک متکئون ۝ لهم فیها فاکهة
سایها باشند بر تختهای آراسته تکیه کنندگان مر ایشان را در آنجا میوها باشد
ولهم ما یدعون ۝ سلام قولا من رب رحیم
و مر ایشان را بود آنچه آرزو کنند گفتار سلام از پروردگار بخشنده
وامتازوا الیوم ایها المجرمون ۝ الم اعهد
و گویند جدا شوید امروز ای گناهکاران آیا عهد نبستیم
الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان
با شما ای فرزندان آدم که نپرستید شما دیو را
انه لکم عدو مبین ۝ وان اعبدونی هذا
بدرستی که او شما را دشمنیست روشن و آنکه مرا بپرستید این است
صراط مستقیم ۝ ولقد اضل منکم جبلا
راه راست و بدرستی که گمراه شدند از شما گروهانی
کثیرا افلم تکونوا تعقلون ۝ هذه جهنم
بسیار آیا نبود که دریابید این است دوزخ
التی کنتم توعدون ۝ اصلوها الیوم بما کنتم
آنجائی که بودید شما که وعده داده شدید داخل شوید آنرا در امروز بسبب آنچه شما

تکفرون ۝ الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا
ناسپاسی کردید امروز مهر کنیم بر دهنها ایشان و سخن گوید با ما
ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون ۝ ولو نشاء
دستهای ایشان را و گواهی دهند پایها ایشان بآنچه بودند می کردند و اگر خواهیم
لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون ۝ ولو نشاء لمسخناهم
و اگر خواستیم هر آینه محو کردیم چشم ایشان پس سبقت کنند راه را پس کجا بینند و اگر خواهیم
علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا ولا یرجعون ۝ ومن نعمره ننکسه فی
راه رفتن و نه باز گردند و هر که زنده کنیم او را نگونسار کنیم او را
الخلق افلا یعقلون ۝ وما علمناه الشعر وما
در خلق آیا پس در نمی یابند و نیاموزانیدیم او را شعر گفتن و نبود
ینبغی له ان هو الا ذکر وقرآن مبین ۝ لینذر
سزاوار او را نیست نمی کنند و قرآن ظاهر الاعجاز تا بیم کنیم
من کان حیا ویحق القول علی الکافرین ۝
آنرا که باشد زنده و درست شد گفتار وعید کافران
اولم یروا انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما
آیا ندیدند که ما آفریدیم مر ایشان را از آنچه کردند دستهای ما چهارپایان
فهم لها مالکون ۝ وذللناها لهم فمنها رکوبهم
پس ایشان مر آنرا مالک باشند و رام گردانیدیم آنرا مر ایشان را پس از آنها سوار شوند

وَمِنْهَا يَاْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ
وازانها بخورند ومرايشانرا درانها سود هابود واشاميدن
اَفَلَا يَشْكُرُونَ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ
اياپس شکر نميکنند وگرفتند غير از خدا
اٰلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ
خدايانی تا بود که ايشان ياری کرده شوند نتوانايی ندارند ياری کردن ايشانرا
وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ
وان کسان مر اصنام را لشکرها حاضر کرده کانند پس اندوهگين نکند ترا گفتار ايشان
اِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ اَوَلَمْ يَرَ
بدرستی که ما ميدانيم انچه پنهان ميکنند وانچه اشکار ميکنند اياند يد
الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيمٌ
ادمی که ما افريديم اورا از نطفه پس انگه او خصومت کنند
مُبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ
روشنی است وزد برای ما مثلی را وفراموش کرد افرينش خود را گفت
مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي
که زنده کند مرده کانرا وان پوسيده بود بگو زنده ميکند انرا انکه
اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
که بيافريدانرا اول بار واو بهمه آفرينش داناست

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْاَخْضَرِ نَارًا فَاِذَا اَنْتُمْ
انخدائی که گردانيد مرشمارا از درخت سبز اتشی را پس انگه شما
مِنْهُ تُوقِدُونَ اَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ
ازان برمی افروزيد ايا نيست ان خدائی که بيافريد اسمانها
وَالْاَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ اَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ
وزمين را بقدرت بر انکه بيافريند مثل ايشانرا آری واو
الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ اِنَّمَا اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ
افريننده داناست بدرستيکه فرمان او چون خواهد چيزيرا که
يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي
بگويد مراورا باش پس ميباشد پس منزه است انخدائی که
بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
بدست اوست پادشاهی همه چيز وبسوی او بازگردانيده شويد

سُورَةُ الصَّافَّاتِ مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاينده مهربان
وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا
ای فرشتکان صف زننده صف زدنی پس بحق ملائکه باز دارنده کان ابر را
قسم بفرشتکان صف زننده صف زدنی

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا اِنَّ اِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ
پس بحق خوانندگان پند را یعنی قران بدرستی که خدای شما هر اینه یکیست پروردگار
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ
اسمانها و زمین و انچه میان انست و پرودگار مشرق و مغرب
اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَ
بدرستیکه ما ارایم اسمان دنیا را بیاراستگی ستارکان و
حِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ
نگهداشتنی از هر دیوی رانده که گوش نتوانند داشت
اِلَى الْمَلَإِ الْاَعْلٰى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ
بفرشتگان عالم بالا و رنده شود از هر جانبی
دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ اِلَّا مَنْ خَطِفَ
راندنی و مر ایشانرا بود عذابی دایمی مگر انکه ربایند وحی را
الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ فَاسْتَفْتِهِمْ
ربودنی پس پی کند او را پاره اتش درخشنده پس بپرس از ایشان
اَهُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمْ مَنْ خَلَقْنَا اِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ
ایا ایشان سخت تراند با فرینش یا انکه افریدیم ما افریدیم ایشانرا از گل
لَازِبٍ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ وَاِذَا ذُكِّرُوا
دوسنده بلکه عجب میدارند تو را و استهزا میکنند و چون پند داده شوند

صافات

لَا يَذْكُرُونَ وَاِذَا رَاَوْا اٰيَةً يَسْتَسْخِرُونَ
پند نگیرند و چون ببینند نشانه را استهزا کنند
وَقَالُوا اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ اَئِذَا مِتْنَا وَ
و گویند نیست این مگر جادوئی روشن ایا چون بمیریم ما
كُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا اَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ اَوَاٰبَاؤُنَا
و باشیم خاک و استخوانها ایا بدرستیکه برانگیختگانیم ایا پدران ما
الْاَوَّلُونَ قُلْ نَعَمْ وَاَنْتُمْ دَاخِرُونَ فَاِنَّمَا
بگو ارے و شما خواران باشید پس بدرستی
هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَاِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ وَقَالُوا
کمان بانگ زدن بود پس بدرستیکه ایشان بنگرند و گفتند
يَا وَيْلَنَا هٰذَا يَوْمُ الدِّينِ هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ
ای وای بر ما اینست روز جزا اینست روز حکم کردن
الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ اُحْشُرُوا الَّذِينَ
ان حکمی که بودید شما بان دروغ گوی حشر کنید انها را
ظَلَمُوا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ
که ستم کردند و هم جفتان ایشانرا وانچه بودند میپرستیدند
مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَاهْدُوهُمْ اِلٰى صِرَاطِ الْجَحِيمِ
از غیر او را پس راه نمائید ایشانرا بسوی راه دوزخ

وقفوهم انهم مسئولون ما لكم لا تناصرون

وبازدارید ایشانرا که ایشان سوال کرده شوند چیست مر شما را که یاری یکدیگر نمیکنید

بل هم اليوم مستسلمون واقبل بعضهم على

بلکه ایشان امروز گردن نهندگانند و روی فراکند بعضی ایشان بر

بعض يتساءلون قالوا انكم كنتم تأتوننا

بعضی از یکدیگر پرسند گویند بدرستیکه شما بودید که می آمدید بما

عن اليمين قالوا بل لم تكونوا مؤمنين و

از جانب راست گویند بلکه نبودید شما مؤمنان و

ما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوما

نبود مار بر شما هیچ حجتی بلکه شما بودید گروهی

طاغين فحق علينا قول ربنا انا لذائقون

طاغیان پس واجب شد بر ما گفتار پروردگار ما که ما چشندگانیم

فاغويناكم انا كنا غاوين فانهم يومئذ

پس از راه بردیم شما را بدرستیکه بودیم ما گمراهان بدرستیکه ایشان در آن روز

في العذاب مشتركون انا كذلك نفعل

در عذاب انبازان باشند بدرستیکه ما چنین میکنیم

بالمجرمين انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله

با کافران بدرستیکه ایشان بودند چون گفته شدی مر ایشان را که نیست خدائی مگر خدا

يستكبرون ويقولون ائنا لتاركوا الهتنا

گردن کشی میکنند و میگویند آیا ما بدرستیکه ترک کنندگانیم خدایان خود را

لشاعر مجنون بل جاء بالحق وصدق المرسلين

از بهر شاعر دیوانه بلکه آمد محمد بحق و براست داشت رسولان را

انكم لذائقوا العذاب الاليم وما تجزون

بدرستیکه شما هر آینه چشنده اید عذاب دردناک را و پاداش داده نشوید

الا ما كنتم تعملون الا عباد الله المخلصين

مگر آنچه بودید که میکردید مگر بندگان خدا که اهل اخلاص اند

اولئك لهم رزق معلوم فواكه وهم مكرمون

آن گروه مر ایشانرا روزی بود دانسته میوهها و ایشان اکرام کرده شدگان

في جنات النعيم على سرر متقابلين

در بوستانهای پر نعمت بر تختهای آراسته روی فرا یکدیگر کنند

يطاف عليهم بكاس من معين بيضاء

بر ایشان بجامهای از آب چشمه سفید که

لذة للشاربين لا فيها غول ولا هم عنها

لذت دهد مر آشامندگان را نبود در آنها کژی و نبود ایشان را از آن

ينزفون وعندهم قاصرات الطرف عين

درد سر کشیدگان و نزد ایشان زنان تنگ چشم بود

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

گوئیا ایشان مروارید پنهان اند پس روی کنند بعضی ایشان بر بعضی

يَتَسَاءَلُونَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ

سوال کنند گوید گوینده از ایشان که من را بود همنشینی

يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا

میگفت آیا تو از جمله راست دارندگانی آیا چون بمیریم و باشیم

تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ

خاک و استخوانها آیا ما داده شدگانیم گوید آیا شما

مُطَّلِعُونَ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ قَالَ

دیده ور شدید پس دید و ور شود پس دید او را در میان دوزخ گوید

تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينِ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ

بحق خدا اگر خواستی مرا هلاک کردی مرا و اگر نبودی نعمت پروردگار من بودمی

مِنَ الْمُحْضَرِينَ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ إِلَّا مَوْتَتَنَا

از حاضران در عذاب آیا پس ما نیستیم میرندگان مگر مرگ ما

الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ

اول و نباشیم ما عذاب کردگان بدرستی که این آن

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ

رستگاری بزرگ مگر مثل این کار پس باید که بکنند کارکنندگان

أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا

این بهتر نزولیست یا درخت زقوم بدرستی که کردیم ما آن را

فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ

آزمایش مر ستمکاران را بدرستی که آن درختی بود که بیرون آید در میان

الْجَحِيمِ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ

دوزخ خوشهای آن گوییا که سرهای دیوان باشد

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

پس بدرستی که ایشان خورندگانند از آنجا پس پر کنندگانند از آن شکمها را

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ

پس بدرستی که مر ایشان را آشامیدنیست از آب گرم پس بدرستی که بازگشت ایشان

لَإِلَى الْجَحِيمِ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

هر آینه بسوی دوزخ بدرستی که ایشان یافتند پدران خود را گمراهان

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ

پس ایشان بر اثرهای ایشان میدوند و بدرستی که گمراه شدند پیش از ایشان

أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ

بیشتر اولیان و بدرستی که فرستادیم در میان ایشان

مُنْذِرِينَ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ

بیم کنندگان پس بنگر که چگونه بود عاقبت کار بیم کردگان

الا عباد الله المخلصين ولقد نادانا نوح
مگر بندگان خدا که باخلاص باشند و بدرستی که خواند مارا نوح
فلنعم المجيبون ونجيناه واهله من الكرب
پس نکو اجابت کنندگانیم ورهانیدیم اورا واهل اورا از اندوه بزرگ
العظيم وجعلنا ذريته هم الباقين وتركنا
بزرگ وکردیم ما فرزندان اورا ایشان باقی ماندگان وگذاشتیم
عليه في الآخرين سلام على نوح في
براو در آیندگان که سلام بر نوح باد در
العالمين انا كذلك نجزي المحسنين
جهانیان بدرستی که همچنین پاداش میدهیم نیکوکاران را
انه من عبادنا المؤمنين ثم اغرقنا الآخرين
بدرستی که او از بندگان ما که مومن است پس غرق کردیم دیگران را
وان من شيعته لابراهيم اذ جاء ربه
وبدرستی که از پیروان نوح بود ابراهیم چون آمد بدرگاه پروردگار
بقلب سليم اذ قال لابيه وقومه ماذا
با قلب سلامت چون قال مر پدر خود و قوم خود را که چه چیز
تعبدون ائفكا آلهة دون الله تريدون
میپرستید آیا بدروغ خدایان غیر از خدا را میخواهید

فما ظنكم برب العالمين فنظر نظرة في النجوم
پس چیست گمان شما بپروردگار عالمیان پس نگریست نگریستنی در ستارگان
فقال اني سقيم فتولوا عنه مدبرين
پس گفت که من بیمارم پس برگشتند از او برگردندگان
فراغ الى آلهتهم فقال الا تأكلون
پس حمله برد بسوی خدایان ایشان پس گفت آیا نمیخورید
ما لكم لا تنطقون فراغ عليهم ضربا باليمين
چیست شما را که سخن نمیگوئید پس حمله برد بر ایشان زدنی بدست راست
فاقبلوا اليه يزفون قال اتعبدون ما
پس روی کردند بسوی او میشتافتند گفت آیا میپرستید آنچه
تنحتون والله خلقكم وما تعملون
میتراشید و خدا آفرید شما را و آنچه میکنید
قالوا ابنوا له بنيانا فالقوه في الجحيم فارادوا
گفتند بنا کنید مر اورا بنائی بزرگ پس اندازید اورا در آتش پس خواستند
به كيدا فجعلناهم الاسفلين وقال اني
به او مکری پس گردانیدیم ایشانرا پائین تر وگفت که من
ذاهب الى ربي سيهدين رب هب لي
رونده ام بسوی پروردگار خود زود راه نماید مرا پروردگارا ببخش مرا

مِنَ الصّٰلِحِينَ فَبَشَّرْنٰهُ بِغُلٰمٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ
از مردم نیکوکاران پس بشارت دادیم اورا بپسری بردبار پس چون رسید
مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يٰبُنَيَّ إِنِّي أَرٰى فِي الْمَنَامِ
با او بتعابد سعی گفت ای پسرک من بدیدم که من در خواب
أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرٰى قَالَ يٰأَبَتِ
که من ذبح کردم ترا پس بنگر که چه میبینی گفت ای پدر من
افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ
بکن آنچه امر کرده شدی زود بیابی مرا که خواهد خدا از
الصّٰبِرِينَ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَ
از صبرکنندگان پس چون منقاد شدند وخوابانید اورا بروی و
نٰادَيْنٰهُ أَنْ يٰإِبْرٰهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا
وخواندیم اورا که ای ابراهیم بدرستیکه راست کردی خواب خود
إِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هٰذَا لَهُوَ
بدرستیکه ما پاداش دهیم نیکوکاران را بدرستیکه این است
الْبَلٰٓؤُا الْمُبِينُ وَفَدَيْنٰهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ
آزمایش روشن وفدیه فرستادیم اورا بکشتنی بزرگ
وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ سَلٰمٌ عَلٰى
وبگذاشتیم براو در آخرین که سلام باد بر

إِبْرٰهِيمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ
ابراهیم همچنین پاداش دهیم نیکوکاران را بدرستیکه او از
عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ وَبَشَّرْنٰهُ بِإِسْحٰقَ نَبِيًّا
بندگان ما مومنان وبشارت دادیم اورا باسحق پیغمبر
مِنَ الصّٰلِحِينَ وَبٰرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلٰى إِسْحٰقَ
از نیکوکاران وبخشندگی کردیم براو وبر اسحق
وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ
واز فرزندان ایشان نیکوکاران وستمکاران مر نفس خود را آشکار
وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلٰى مُوسٰى وَهٰرُونَ وَ
وبدرستیکه منت نهادیم بر موسی وهرون و
نَجَّيْنٰهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَ
ورهانیدیم ایشانرا وقوم ایشانرا از اندوه بزرگ و
نَصَرْنٰهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغٰلِبِينَ وَآتَيْنٰهُمَا
یاری کردیم ایشانرا پس بودند ایشان غالبان ودادیم ایشانرا
الْكِتٰبَ الْمُسْتَبِينَ وَهَدَيْنٰهُمَا الصِّرٰطَ
کتاب ظاهر وراه نمودیم ایشانرا راه
الْمُسْتَقِيمَ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ
راست وگذاشتیم بر ایشان در پسینیان

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِنَّا كَذَٰلِكَ

که سلام باد بر موسی و هارون بدرستیکه ما همچنین

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

پاداش دهیم نیکوکاران را بدرستیکه ایشان از بندگان مومنان ما است

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

و بدرستیکه الیاس هر آینه از رسولان است چون گفت مر قوم خود را

أَلَا تَتَّقُونَ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ

آیا نمی‌ترسید آیا میخوانید بت را و میگذارید

أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ

نیکوترین آفرینندگان را خدا پروردگار شما و پروردگار پدران شما

الْأَوَّلِينَ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

پیشینیان پس بدروغ داشتند او را پس ایشان حاضر کرده شدگانند

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي

مگر بندگان خدا باخلاص وگذاشتیم ما بر او ثنای نیکو در

الْآخِرِينَ سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ إِنَّا كَذَٰلِكَ

زمان پسینیان سلام باد بر اهل بیت الیاس بدرستیکه ما همچنین

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

پاداش دهیم نیکوکاران را بدرستیکه او از بندگان مومن ما بود

وان

وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ

و بدرستیکه لوط هر آینه از رسولان شد چون رهانیدیم او را و اهل او را

أَجْمَعِينَ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ثُمَّ دَمَّرْنَا

همه مگر پیره زنی در بازماندگان در هلاک پس هلاک کردیم

الْآخَرِينَ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ

دیگران را و بدرستیکه شما هر آینه میگذرید بر ایشان بامدادان

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ

و در شب آیا پس در نمی‌یابید و بدرستیکه یونس هر آینه

الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

از رسولان است چون بگریخت بسوی کشتی پر کرده

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ

پس قرعه زد پس بود از جمله مغلوبان در قرعه پس بر داشت او را ماهی

وَهُوَ مُلِيمٌ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

و او سزاوار ملامت بود پس اگر نبود که بود از جمله تسبیح کنندگان

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ فَنَبَذْنَاهُ

هر آینه درنگ کردی در شکم ماهی تا روزی که برانگیخته شود پس انداختیم ما او را

بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ

بکنار ساحل و او بیمار بود و رویانیدیم ما بر او درختی از

يقطين وارسلناه الى مائة الف او يزيدون
كدو   و فرستاديم ما او را بسوى صد هزار يا زياده بودند

فامنوا فمتعناهم الى حين فاستفتهم
پس گرويدند پس برخوردار كرديم ايشان را تا هنگامى   پس بپرس از ايشان را

الربك البنات ولهم البنون ام خلقنا الملائكة
آيا مر پروردگار ترا دختران و مر ايشان را پسران   يا آفريديم ما فرشتگان را

اناثا وهم شاهدون الا انهم من افكهم
زنان و ايشان حاضران بودند   بدان كه ايشان از دروغ ايشان

ليقولون ولد الله وانهم لكاذبون
كه ميگويند   كه فرزند دارد خدا و ايشان دروغ گويند

اصطفى البنات على البنين ما لكم كيف
آيا بر گزيد دختران را بر پسران   چيست شما را چگونه

تحكمون افلا تذكرون ام لكم سلطان
حكم ميكنيد   آيا پس پند نميگيريد   يا مر شما را بود حجتى

مبين فاتوا بكتابكم ان كنتم صادقين
روشن   پس بياوريد كتاب خود را اگر هستيد راست گويان

وجعلوا بينه وبين الجنة نسبا ولقد علمت
و گردانيدند ميان او و ميان پريان نسبتى   و بدرستى كه دانستند

الجنة

صافات

الجنة انهم لمحضرون سبحان الله عما يصفون
پريان كه ايشان هر آينه حاضران باشند   منزهست خدا از آنچه وصف ميكنند

الا عباد الله المخلصين فانكم وما تعبدون
مگر بندگان خدا كه با اخلاص باشند   پس بدرستى كه شما و آنچه ميپرستيد

ما انتم عليه بفاتنين الا من هو صال الجحيم
نيستيد شما بر او بفتنه اندازندگان   مگر آنكه او درونده بود آتش را

وما منا الا له مقام معلوم وانا لنحن
و نبود از ما مگر مر او را جايگاه معلوم است   و بدرستى كه ما هم

الصافون وانا لنحن المسبحون وان كانوا
جماعت صف زنندگان   و بدرستى كه ما هم تسبيح كنندگان   و بدرستى كه بودند

ليقولون لو ان عندنا ذكرا من الاولين
كه ميگفتند   اگر آنكه بود نزد ما پندى از پيشينيان

لكنا عباد الله المخلصين فكفروا به فسوف يعلمون
هر آينه بوديم بندگان خدا خالص كاران   پس كافر شدند بآن پس زود بدانند

ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم
و بدرستى كه پيشى گرفت سخن ما بر بندگان ما كه رسولان بودند ايشان

لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون
هر آينه ايشان يارى كردگان   و بدرستى كه لشكر ما هر آينه ايشان غالب باشند

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

پس برگرد از ایشان تا هنگامی وچشم دار بدیشان پس زود ببینند

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ

آیا پس بعذاب ما می‌شتابند پس چون فرود آمد بسرای ایشان

صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

صباح بیم کردگان وبرگرد از ایشان تا هنگامی

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

وببین پس زود ببینند منزه هست پروردگار تو پروردگار

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

عزت از آنچه وصف میکنند وسلام باد بر پیغمبران مرسل

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سورة الفتح مدنية

وستایش مر خدا را که پروردگار جهانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا

بدرستیکه ما کشودیم مر تو را کشودنی روشن تا بیامرزد مر تو را خدا آنچه

تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

گذشت از [?] اولای تو وآنچه عقب است وتمام کند نعمت خود را بر تو

و

وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ

وراه نماید تو را راه راست وباری کند تو را خدا

نَصْرًا عَزِيزًا هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي

یاری کردن غالب او ست آنکه فرستاد آرام را در

قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ

دلهای مؤمنان تا زیاد کنند ایمان خود را با ایمان ایشان

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ

ومر خدا را بود لشکرهای آسمانها وزمین وهست خدا

عَلِيمًا حَكِيمًا لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

دانای حکم کار تا درآورد مؤمنان را وزنان مؤمنه را

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

در بستانهایی که میرود از زیر آنها جویها همیشه باشند

فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ

در آنجا و بپوشد از ایشان بدیهای ایشان را وهست این

عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ

نزد خدای رستگاری بزرگ وعذاب کند مردان منافق

وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ

وزنان منافق را ومردان مشرک را وزنان مشرک را گمان برندگان

بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللّٰهُ
بخدا گمان بد بر ایشان باد حادثه بد و خشم کرد خدا
عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا
بر ایشان و لعنت کرد ایشانرا و مهیا کرد مر ایشانرا دوزخ و بد است بازگشت
وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ
و خدا را بود لشکرهای آسمانها و زمین و هست خدا
عَزِيزًا حَكِيمًا إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا
غالب محکم کار بدرستیکه ما فرستادیم تو را گواه و بشارت دهنده
وَنَذِيرًا لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ
و بیم کننده تا بگروید بخدا و رسول او و تقویت نمائید دین خدا را
وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا إِنَّ
و بزرگ شمارید او را و تسبیح کنید او را بامداد و شبانگاه بدرستیکه
الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللّٰهَ يَدُ اللّٰهِ
آنها که بیعت کردند تو را بدرستیکه بیعت کردند با خدا قدرت خدا
فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ
بالای دست ایشانست هر که نقض عهد پس بدرستیکه نقض کرد بر
نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللّٰهَ
تن خود و هر که وفا کرد بآنچه عهد بست بر آن خدا

فسیؤتیه

صح

فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ
پس زود بدهد ایشانرا مزدی بزرگ زود که گویند مر تو را مخلفان
مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ
از اهل بادیه مشغول کرد ما را مالهای ما و کسان ما پس آمرزش خواه
لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ
برای ما میگویند بزبانهای ایشان آنچه نیست در دلهای ایشان بگو
فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا
پس کیست که قادر شد بر شما از عذاب خدا چیزی اگر خواهد بشما زیانی
أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا
یا خواهد بشما سودی بلکه هست خدا بآنچه میکنید شما آگاه
بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ
بلکه گمان کردید که بر نمیگردد هرگز رسول و مؤمنان
إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ
بسوی اهل خویش هرگز و آراسته شد این در دلهای شما و گمان کردید
ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ
گمان کردن بدی و بودید شما گروه تباهکار و هر که نگرود بخدا
بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا
بخدا و رسول او پس بدرستیکه ما مهیا کردیم مر کافران را آتش افروخته

ولله ملك السموات والارض يغفر لمن يشاء
ومر خدارا بود پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد مر آنرا که خواهد
ويعذب من يشاء وكان الله غفورا رحيما
و عذاب میکند آنرا که خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان
سيقول المخلفون اذا انطلقتم الى مغانم لتاخذوها
زود گویند بازماندگان چون بروید بسوی غنیمتها تا بگیرید آنها
ذرونا نتبعكم يريدون ان يبدلوا كلام الله
بگذارید ما را تا پیروی کنیم شما را میخواهند که بدل کنند سخن خدا را
قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل فسيقولون
بگو پیروی نکنید ما را همچنان گفت خدا از پیش از این پس زود گویند
بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون الا قليلا
بلکه حسد برید بما بلکه بودند که نمی فهمند مگر اندکی
قل للمخلفين من الاعراب ستدعون الى قوم اولي
بگو بازماندگان را از بادیه نشینان زود خوانده شوید بسوی قوم صاحبان
باس شديد تقاتلونهم او يسلمون فان
زور سخت کارزار کنید با ایشان یا منقاد شوند پس اگر
تطيعوا يؤتكم الله اجرا حسنا وان تتولوا كما توليتم
اطاعت کنید بدهد خدا شما را مزدی نیکو و اگر برگردید چنانچه برگشتید

من

صح

من قبل يعذبكم عذابا اليما ليس على الاعمى
پیش از این عذاب کند شما را عذاب دردناک نیست بر کور
حرج ولا على الاعرج حرج ولا على المريض
حرجی و نه بر لنگ حرجی و نه بر مریض
حرج ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات
حرجی و هر که اطاعت کند خدا را و رسول او را در آرد او را در بهشتها
تجري من تحتها الانهار ومن يتول يعذبه
که میرود از زیر آنها جویها و هر که برگردد عذاب کند او را
عذابا اليما لقد رضي الله عن المؤمنين
عذاب دردناک بتحقیق خشنود شد خدا از مومنان
اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم
چون بیعت کردند با تو در زیر درخت پس دانست آنچه در دلهای ایشان
فانزل السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا
پس فرستاد آرام را بر ایشان و مزد داد ایشان را فتح نزدیک
ومغانم كثيرة ياخذونها وكان الله عزيزا حكيما
و غنیمتهای بسیار که گیرند آنها را و بود خدا غالب محکم کار
وعدكم الله مغانم كثيرة تاخذونها فعجل
وعده داد شما را خدا غنیمتهای بسیار که گیرید آنها را پس بشتاب کرد

لَكُمْ هٰذِهٖ وَكَفَّ اَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ
مر شما را باین غنیمت و باز داشت دستهای مردم را از شما و تا باشد

اٰيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
نشانه مر مومنان را و راه نماید شما را راه راست

وَاُخْرٰى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ اَحَاطَ اللّٰهُ
و غنیمتی دیگر که قادر نبودید بر آن بتحقیق که فرا گرفت خدا

بِهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا وَلَوْ
بان و هست خدا بر همه چیزی توانا و اگر

قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا
کارزار کردندی با شما آنها که کافر شدند هر آینه بگردانیدندی پشتها را پس نیابند

يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي
هیچ دوستی و نه یاری کننده این سنت طریقه خدا آنچنان

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا
که گذشت از پیش و هرگز نیابی مر طریقه خدا را بدل کردنی

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ
و او است آن خدائی که باز داشت دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان

بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ اَنْ اَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَ
در اندرون مکه از پس آنکه ظفر داد شما را بر ایشان و

كَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
و هست خدا با آنچه میکنید شما بینا است ایشان آنها اند که کافر شدند

وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا
و باز گردانیدند شما را از مسجد الحرام و قربانی را باز داشته

اَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَ
که برسد بمحل خود و اگر نبودند مردان مومن و

نِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ اَنْ تَطَؤُهُمْ فَتُصِيبَكُمْ
زنان مومنه نمیدانستید ایشان را که بزیر پای در آرید ایشان را پس برسد شما را

مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِي رَحْمَتِهٖ
از ایشان سختی بی دانش تا در آورد خدا در رحمت خود

مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ
آنرا که خواهد اگر جدا بودندی هر آینه عذاب کردیم آنها را که کافر شدند از ایشان عذاب دردناک چون گردانیدند آنها که

كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ
کافر شدند در دلهای ایشان حمیت را حمیت اهل جاهلیت را پس فرستاد خدا

سَكِينَتَهُ عَلٰى رَسُولِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ
آرام خود را بر رسول خود و بر مومنان و

اَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى وَكَانُوا اَحَقَّ بِهَا وَاَهْلَهَا
ملازم ایشان کرد سخن پرهیزکاری و بودند سزاوارتر بان و اهل آن

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ

وهست خدا بر همه چیز دانا هر اینه بدرستی که راست کرد ابتدا خدا

رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ

رسول خود را خواب بحق تا در آورد شما را در مسجد الحرام

إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ

اگر خواهد خدا ایمنان تراشندگان سرهاے شما و موی کم کنندگان

لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ

نترسندگان پس دانست آنچه ندانستید شما پس پدید کرد از غیر آن

ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

فتحی نزدیک اوست آنکه فرستاد رسول خود را

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

براه راست و دین حق تا غالب گرداند بر دین اسلام را

كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

بر همه دینها و بس است بخدا گواه که محمد رسول خداست

وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

و آنها که با اواند سخت دلانند بر کفار رحیم دلانند

بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا

با یک دیگر بینی ایشان را رکوع کنندگان سجده کنندگان تا میجویند فضلی

من

مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ

از خدا و خشنودی نشانهاے ایشان در روهاے ایشان از اثر

السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي

سجود پیدا بود اینست مثل ایشان در توریت و مثل ایشان در

الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ

انجیل مثل زرعی که بیرون آورد شاخهاے او را پس یاری نمود پس سطبر شد

فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ

پس راست شد بر ساقهاے خود پس شگفت دوید برزگران را تا بخشم آورد بایشان

الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

کافران را وعده داد خدا آنها را که گرویدند و کردند کارها

الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

نیکو را از ایشان آمرزش و مزدے بزرگ

سورة الرحمن مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

الرَّحْمَٰنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ

خداے بخشنده آموخت قرآن را آفرید آدمی را از

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

اموخت او را بیان سخن افتاب وماه در طبقه دوزخند

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا

وستاره و درخت سجده میکنند واسمانرا برافراشت انرا

وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَ

وبنهاد ترازو را که طاغی مشوید ترازو را و

أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

برکشید ترازو را با عدالت و زیان مکنید در کار ترازو

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ

و زمین را وضع فرمودیم از برای خلق درانجا میوها بود و

النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ

خرمابنها صاحبان خوشها و دانه صاحب دانه

وَالرَّيْحَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

و کاه پس بکدام نعمتهای پروردکار خود بدروغ میدارید

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ وَ

افرید ادمی را از کل دوسنده مثل کل شکفته و

خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ

افرید پدر پریان را از شعله از اتش پس بکدام نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ

پروردکار خود بدروغ میدارید پروردکار دو مشرق و پروردکار

الْمَغْرِبَيْنِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

دو مغرب پس بکدام نعمتهای پروردکار خود دروغ میدارید

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا

برهم کشود دو دریا که بهم رسند میان ایشان حایلی بود که

يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

ممزوج نشوند پس بکدام نعمتهای پروردکار خود بدروغ میدارید

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ

بیرون میاید از ان دو دریا مروارید و مرجان پس بکدام نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ

پروردکار خود دروغ میدارید و از برای اوست کشتیهای بادبان برکشیده

فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

در دریا مثل کوهها پس بکدام نعمتها پروردکار خود

تُكَذِّبَانِ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى

بدروغ میدارید هرکه بر روی زمین است فانی میشود و باقی میماند

وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ذات پروردکار تو صاحب بزرگی و کرامی داشتن

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يَسْأَلُهُ مَن
پس بکدام نعمتهای پروردگار خود بدروغ میدارید درمیخواهد از او انکه
فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ
در اسمانها و زمین است هر روزی او در کاری
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ سَنَفْرُغُ لَكُمْ
پس بکدام نعمتهای پروردگار خود بدروغ میدارید زود فارغ شد حساب شما
أَيُّهَ الثَّقَلَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
ای گروه پری و آدمی پس بکدام نعمتهای پروردگار خود بدروغ میدارید
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا
ای گروه پری و آدمی اگر توانائی دارید که بیرون روید
مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا
از کنارهای اسمان و زمین پس بیرون روید
لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
نتوانید رفت بیرون مگر بحجتی پس بکدام نعمتهای پروردگار
تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ
بدروغ میدارید میفرستد بر شما زبانه از اتش
وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
و دود پس نتوانید داد ستدکان پس بکدام نعمتهای پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ
بدروغ میدارید پس چون شکافته شود اسمان پس شد
وَرْدَةً كَالدِّهَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
همچون ادیم سرخ پس بکدام نعمتهای پروردگار
تُكَذِّبَانِ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن
بدروغ میدارید پس انروز نپرسند از
ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
گناه آدمی و نه پری پس بکدام نعمتهای پروردگار
تُكَذِّبَانِ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ
بدروغ میدارید شناخته شوند گناهکاران بسیمای ایشان
فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ فَبِأَيِّ
پس گرفته شوند بموهای پیشانی و قدمها پس بکدام
آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ
نعمتهای پروردگار بدروغ میدارید اینست دوزخ
الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ
انچنانی که بدروغ میدارند انرا گناهکاران گرد برایند
بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
میان ان و میان اب گرمی پس بکدام نعمتهای پروردگار

تُكَذِّبَانِ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

بدروغ مبدارید ومرانرا که ترسید ایستادن بدرگاه پروردگار

جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خود دو بوستان پس بکدام نعمتهاء پروردگار خود بدروغ مبدارید

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

دوشاخهاء اختان پس بکدام نعمتهاء پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

بدروغ مبدارید دران دو دوچشمه است جاریه

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا

پس بکدام نعمتهاء پروردگار بدروغ مبدارید دران دو

مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ

از هر میوه دو صنف باشد پس بکدام نعمتهاء

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ

پروردگار خود بدروغ مبدارید تکیه کنندگان بر

فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى

فرشها که استرهاء انها از استبرق بود ومیوه اندو

الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

بوستان نزدیک بود پس بکدام نعمتهاء پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ

بدروغ مبدارید دران جهان زنان نارسیدن چشمان باشند

يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ

که نرسیده باشد بایشان ادمی پیش از ایشان و نه پری پس بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ

نعمتهاء پروردگار خود بدروغ مبدارید گویا انها یاقوت

وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

و مرجان است پس بکدام نعمتهاء پروردگار خود بدروغ مبدارید

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ

ایا هست پاداشت نیکوئی مگر نیکوئی کردن

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس بکدام نعمتهاء پروردگار خود بدروغ مبدارید

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

وغیر از دو بوستان دو بوستان است پس بکدام نعمتهاء پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ مُدْهَامَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ

بدروغ مبدارید درخشان سبز بود پس بکدام نعمتهاء

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ

بدروغ مبدارید دران دو چشمه بود جوش جوشند

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ
پس بکدام نعمتهاے پروردکار خود بدروغ میدارید دران دو میوه

وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا
و خرما بن و انار بود پس بکدام نعمتهاے پروردکار خود

تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ
بدروغ میدارید درانجاے زنان خوب روے باشند

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ حُورٌ
پس بکدام نعمتهاے پروردکار خود بدروغ میدارید حورانی

مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ
بازداشته در خیمها پس بکدام نعمتهاے

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ
پروردکار خود بدروغ میدارید که نرسید باشد انهارا ادمے

قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا
از پیش ازایشان و نه پرے پس بکدام نعمتهاے پروردکار خود

تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلٰى رَفْرَفٍ
بدروغ میدارید تکیه کنندکان بر دیباے

خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ
سبز و نیکو درغایت خوبی پس بکدام نعمتهاے

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ
پروردکار خود بدروغ میدارید بزرگ است نام پروردکار تو

ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
خداوند بزرگی و کرامی داشتن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ
تسبیح کرد مرخدایرا انچه در اسمانها و انچه در زمین است

الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ هُوَ
پادشاه مقدس غالب محکم کار اوست

الَّذِي بَعَثَ فِي الْاُمِّيِّينَ رَسُولًا
انخدائی که برانگیخت در میان مکیان رسولی

مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ اٰيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ
ازایشان که میخواند برایشان نشانهاے اورا و پاک کرد ایشانرا و

يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوا
اموزد ایشانرا کتاب و شرایع و اکرچه بودند

مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَاٰخَرِينَ
پیش ازاین در کمراهے روشن و دیکران

منهم لما يلحقوا بهم وهو العزيز الحكيم ذلك
از ایشان چون رسیده‌اند بایشان واوست غالب حکیم کار این است

فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل
فضل خدا میدهد هرکه را اگر خواهد وخدا صاحب فضل

العظيم مثل الذين حملوا التورية ثم لم يحملوها
بزرگ است مثل آنها که بار کرده شدند باحکام توریة پس بکار نبردند

كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل القوم
مثل داستان خر است که بردارد کتابها را بد است مثل گروهی

الذين كذبوا بايات الله والله لا يهدي
آنها که بدروغ داشتند نشانهای خدا را وخدا راه نمی نماید

القوم الظالمين قل يا ايها الذين
گروه ستمکاران را بگو ای آنها که

هادوا ان زعمتم انكم اولياء لله من
جهود شدند اگر دعوی کنید که شما دوستان هستید مر خدا را

دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين
غیر از مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید شما راستگویان

ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم
و آرزو نکنند آن را هرگز بآنچه پیش داشت دستهای شما وخدا داناست

الظالمین

بالظالمين قل ان الموت الذي تفرون منه
بحال ستمکاران بگو بدرستیکه مرگ آنچنانی که فرار میکنید از او

فانه ملاقيكم ثم تردون الى عالم الغيب
پس بتحقیق که ملاقات کند شما را پس باز کرده شوید بسوی عالم دانای پنهانی

والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون يا ايها
و آشکارا پس آگاه کند شما را بآنچه شما میکنید ای گروه

الذين امنوا اذا نودي للصلوة من يوم
آنچنانی که گرویدید چون ندا کرده شود برای نماز از روز

الجمعة فاسعوا الى ذكر الله وذروا البيع
جمعه پس بشتابید بسوی ذکر خدا و بگذارید معامله را

ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون فاذا
اینچنان بهتر است برای شما که هستید شما اگر بدانید پس چون

قضيت الصلوة فانتشروا في الارض و
گذارده شود نماز پس پراکنده شوید در زمین و

ابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا
بجوئید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیاری

لعلكم تفلحون واذا راوا تجارة او لهوا
شاید که شما رستگار شوید و چون ببینند بازرگانی را یا نا فرجامی

انفضوا اليها وتركوك قائما قل ما عند الله
میل کنند بسوی آن و ترک کنند تو را ایستاده در خطبه بگو آنچه نزد خدا
خير من اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين
بهتر است از نافرجام و از خرید و فروخت و خدا بهترین روزی دهندگان

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
عم يتساءلون عن النبإ العظيم
از چه می پرسند یکدیگر را از خبر بزرگ
الذي هم فيه مختلفون كلا سيعلمون
آنچه ایشان در آن اختلاف کنندگانند حقا که زود بدانند
ثم كلا سيعلمون ألم نجعل الأرض مهادا
پس حقا که زود بدانند آیا نکردانیدیم زمین را آرامگاهی
والجبال أوتادا وخلقناكم أزواجا
و کوه ها را میخها و آفریدیم ما شما را اصناف
وجعلنا نومكم سباتا وجعلنا الليل
و گردانیدیم ما خواب شما را راحت و گردانیدیم شب را

لباسا وجعلنا النهار معاشا وبنينا فوقكم
پوششی و گردانیدیم روز را سبب معاش و بنا کردیم بالای شما
سبعا شدادا وجعلنا سراجا وهاجا و
هفت آسمان محکم و پیدا کردیم چراغی درخشنده و
أنزلنا من المعصرات ماء ثجاجا لنخرج به حبا
فرستادیم از ابرها آبی ریزنده تا بیرون آریم بدان دانه
ونباتا وجنات ألفافا إن يوم الفصل
و گیاه و بوستانها با درختان بدرستیکه روز حکم
كان ميقاتا يوم ينفخ في الصور فتأتون
بود وعده گاه روزی که دمیده شود در صور پس آیید
أفواجا وفتحت السماء فكانت أبوابا و
گروه گروه و گشوده آسمان پس بوده باشد صاحب درها و
سيرت الجبال فكانت سرابا إن جهنم كانت
روان شوند کوه ها پس باشند مانند سرابی بدرستیکه دوزخ هست
مرصادا للطاغين مآبا لابثين فيها أحقابا
گذرگاه مر طاغیان را بازگشت درنگ کنندگان در آنجا سالها
لا يذوقون فيها بردا ولا شرابا إلا حميما
نچشند ایشان در دوزخ سردی و نه ایشان شرابی مگر آب گرم

وَغَسَّاقًا جَزَآءً وِفَاقًا اِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ
وخون وچرك پاداشتی موافق کردار ایشان بدرستی که ایشان بودند امید نداشتند

حِسَابًا وَكَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا كِذَّابًا وَكُلَّ شَيْءٍ
بحساب وبدروغ داشتند نشانهاء مارا دروغ داشتنی وهمه چیزرا

اَحْصَيْنٰهُ كِتٰبًا فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ اِلَّا عَذَابًا
شمرده بر ما نوشتیم نوشتنی پس بچشید عذابرا پس زیاد نکنیم شمارا مگر عذابرا

اِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَآئِقَ وَاَعْنَابًا وَ
بدرستی که مر پرهیزکاران را بود رستگاری باغها وانگور ستانها و

كَوَاعِبَ اَتْرَابًا وَكَاْسًا دِهَاقًا لَا
زنان نار پستان همزادان وجامهاء مملو ولبریز نه

يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذّٰبًا جَزَآءً مِنْ رَبِّكَ
شنوند در آنجا نافرجامی ونه دروغی مزدی از پروردگار تو

عَطَآءً حِسَابًا رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
بخششی بی حساب پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا
وانچه در میان آنها خدای بخشنده قادر نباشند ازاو ولبض گفتنی

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ
روزی که برخیزد جبرئیل وفرشتگان صف زده سخن نگویند

اِلَّا مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ذٰلِكَ
مگر آنکه فرمان دهد مر اورا خدای وگوید بصواب اینست

الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهِ مَاٰبًا اِنَّا
روز راستی پس هرکه خدا خواهد بگیرد بسوی پروردگار بازگشتی بدرستیکه

اَنْذَرْنٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ
بیم کردیم شمارا بعذاب نزدیک روزیکه بنگرد مرد

مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يٰلَيْتَنِي
انچه پیش فرستاده باشد دودست او گوید کافران ای کاشکی من

كُنْتُ اعتقاد دوازده امام خواجه نصیر تُرَابًا
بودم خاک

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ
ای بار خدایا توئی اول پس نیست پیش از تو چیزی وتوئی

الْاٰخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ بعدک
پس نیست پس از تو چیزی ای انکه بوده پیش از هر چیزی

وَيَا بَاقِيًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ
و باقی بعد از هر چیزی وای ایجاد کننده هر شیٔ

يا مَن هو اقرب اليَّ من حبل الوريد يا مَن هو
ای آنکه او نزدیکتر است بما از رگ جان ای آنکه او

فعّال لما يريد يا مَن يحول بين المرء وقلبه
کننده است آنچه را اراده کند ای آنکه حایل شود میان مرد و دل او

يا مَن هو بالمنظر الاعلى يا مَن ليس كمثله
آنکه او در نظرهای بلند است آنکه نیست مثل او

شيءٌ وهو السميع العليم يا مَن هو على
چیزی و او است شنوا و دانا ای آنکه او بر

كلّ شيءٍ قدير اقضِ حاجتي واعطني
هر چیزی توانا است برآور حاجت مرا و عطا کن مرا

سؤلي وفرّج عنّي كربتي واكفِ مهمّاتي
سؤال مرا و شاد گردان حزن مرا و کفایت کن مهمات مرا

بحقّ محمّدٍ و دوازده امام خواجه آله الطاهرين
بحق محمد و آل او که طاهرند

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

اللهمّ صلّ وسلّم وزد وبارك على النبيّ
بار خدایا درود و سلام فرست و زیاد کن و مبارک گردان بر پیغمبر

الامّيّ العربيّ القرشيّ المكّيّ المدنيّ الابطحيّ
امی عربی منسوب بسوی قریش منسوب بمکه و مدینه صاحب بطحا

التهاميّ الهاشميّ السيّد البهيّ السراج المضيء
منسوب بسوی هاشم آقای پاکیزه چراغ روشن

صاحب الوقار والسكينة المدفون بارض
صاحب وقار سکینه که مدفون است بزمین

المدينة العبد المؤيّد والرسول المسدّد المصطفى
مدینه بنده تائید کرده شد و فرستاده شده محکم برگزیده

الامجد المحمود الاحمد حبيب اله العالمين
پاکیزه حمد کرده شده احمد دوست خدای عالمیان

وسيّد المرسلين وخاتم النبيّين وشفيع
و آقای فرستاده شدگان و خاتم پیغمبران و شفاعت کننده

المذنبين ورحمةٌ للعالمين ابي القاسم محمّدٍ
گناهکاران و رحمت است مر عالمیان را ابی القاسم محمد

صلّى الله عليه وآله وسلّم الصلوة و
درود خدا بر او و بر آل او و سلام بر او درود و

السلام عليك وعلى آلك يا ابا القاسم يا رسول الله
سلام بر تو باد و بر آل تو ای ابا القاسم ای فرستاده شده خدا

یا نبیّ الرحمة یا شفیع الامّة یا حجّة الله علی

ای پیغمبر مهربان و ای شفاعت کننده امت ای برهان خدا بر

خلقه یا سیّدنا و مولانا انّا توجّهنا و

خلق خدا ای آقای ما و ای مولای ما بدرستیکه ما رو کردیم و

استشفعنا و توسّلنا بك الی الله تعالی

طلب شفاعت کردیم و متوسل شدیم ما بتو بسوی خدای بزرگ

وقدّمناك بین یدی حاجاتنا فی الدنیا

[illegible] پیش حاجتهای ما در دنیا و

والآخرة یا وجیهاً عند الله اشفع لنا عند الله

و آخرت ای کسیکه مقبول است نزد خدا شفاعت برای ما نزد خدا

اللّهمّ صلّ وسلّم وزد وبارك علی

بار خدایا درود و سلام فرست و زیاد کن و مبارک گردان بر

السیّد المطهّر والامام المظفّر والشجاع

آقای پاکیزه و پیشوای ظفر یافته و شجاع

الغضنفر ابی شبّر وشبیر قاسم طوبی وسقر

شیر ای پدر حسن و حسین تقسیم کننده بهشت و جهنم

الانزع البطین الاشجع المتین الاشرف المکین

کنده ن بزرگان شجاع محکم پاکیزه با قرار

العالم

العالم المبین الناصر المعین ولیّ الله الوالی

دانای محکم نصرت کننده معین دوست خدا و کیل

الولیّ السیّد الرضیّ الامام الوصیّ الحاکم

و کیل آقای پسندیده امام است وصی خدا حکم کننده

بالنصّ الجلیّ المخلص الصفیّ المدفون بالغری

بنص ظاهر اخلاص دارنده برگزیده دفن شده است در غری

لیث بنی غالب مظهر العجائب ومظهر الغرائب

شیر غالب ظاهر کننده عجایب [illegible]

ومفرّق الکتائب والشهاب الثاقب و

و جمع کننده لشکرهاست و سرایت سوراخ کنند و

الهزبر السالب ونقطة دائرة المطالب

شیر [illegible] کننده و نقطه دایره مطالبهاست

اسد الله الغالب غالب کلّ غالب مطلوب

شیر خداست [illegible] بر همه [illegible]

کلّ طالب الذی حبّه فرض علی الحاضر و

[illegible] دوستی او واجب است بر حاضر و

الغائب سالب کلّ سالب صاحب المفاخر

غائب برطرف کننده هر برطرف کننده صاحب مفاخر

مظهر العجائب و مظهر الغرائب

اسد الله الغالب

وَالْمَنَاقِبِ اِمَامَ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ مَوْلٰنَا وَ
و منقبت امام مشرق و مغربست مولای ما و
مَوْلَى الثَّقَلَيْنِ اَبِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
مولای ثقلین پدر حسن و حسین سردار مومنین
وَاِمَامِ الْمُتَّقِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
و پیشوای پرهیزکاران علی پسر ابو طالب درود رساد خدا
وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
و سلام فرستا بر او درود و سلام بر تو باد
وَعَلٰى ذُرِّيَّتِكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
و بر اولاد تو ای پدر حسن ای سردار مومنین
يَا عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ يَا اَخَ الرَّسُولِ وَيَا زَوْجَ
ای علی پسر ابو طالب ای برادر رسول و ای شوهر
الْبَتُولِ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلٰينَا
بتول ای حجت خدا بر خلق خدا ای آقای من و مولای من
اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى
بدرستیکه رو کردیم ما و طلب شفاعت کنیم ما و متوسل شویم ما بتو بسوی خدای بلند
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ
و مقدم داریم ما تو را پیش روی حاجت ما را در دنیا و آخرت

الْاٰخِرَةِ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ
و آخرت ای نیکوی نزد خدا شفیع شو از برای ما نزد خدا
اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدَةِ
بار خدایا درود و سلام فرست و زیاد کن و مبارک گردان بر بزرگ زنان
الْجَلِيلَةِ الْجَمِيلَةِ الْكَرِيمَةِ الْمَكْرُوبَةِ الْعَلِيلَةِ
صاحب عظمت نیکوی صاحب کرامت با حزن و رنجوری
الْمَعْصُومَةِ الْمَظْلُومَةِ الرَّضِيَّةِ الْحَلِيمَةِ الْعَفِيفَةِ
و پاکیزه مظلوم و راضیه با حلم و عفت
السَّلِيمَةِ ذَاتِ الْاَحْزَانِ الطَّوِيلَةِ فِي الْمُدَّةِ
و سلیم صاحب حزنهای دراز در مدت کم
الْقَلِيلَةِ الْمَدْفُونَةِ سِرًّا وَالْمَغْصُوبَةِ جَهْرًا وَ
کم و دفن کرده شده پنهان غضب کرده شده آشکار
الْمَجْهُولَةِ قَدْرًا وَالْمَخْفِيَّةِ قَبْرًا سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْاِنْسِيَّةِ
نامعلوم قدر او و پنهان است قبر او خاتون زنان مانوس
الْحَوْرَاءِ الْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ اُمِّ الْاَئِمَّةِ النُّقَبَاءِ
حوروش بمانند بتول دو مادر امامها پسندیده
النُّجَبَاءِ بِنْتِ خَيْرِ الْاَنْبِيَاءِ فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ
نجیب دختر بهترین پیغمبران فاطمه پرهیزکار پاک

الزهراء صلوات الله وسلامه علیها الصلوٰة

زهرا درود خدا وسلام خدا براو باد درود

والسلام علیك یا فاطمة الزهراء یا بنت رسول الله

وسلام بر تو باد اے فاطمه زهرا اے دختر رسول خدا

ایتها البتول ویا قرة عین الرسول یا حجة الله

اے پاکیزه که بهمانند او والے نور چشم فرستاده اے حجت خدا

علی خلقه یا سیدتنا ومولاتنا انا توجهنا

بر خلق خدا اے سیده ما واے مولاے ما بدرستیکه روکردیم بتو

واستشفعنا وتوسلنا بك الی الله تعالی و

وطلب شفاعت کردیم بتو ومتوسل شدیم ما بتو بسوے حق تعالے و

قدمناك بین یدی حاجاتنا فی الدنیا و

پیش انداختیم ما تو را میان دو دست حاجت خود در دنیا و

الاخرة یا وجیهة عند الله اشفعی لنا عند الله

واخرت اے نیکو روے نزد خدا شفیع شو از براے ما نزد خدا

اللهم صل وسلم وزد وبارك علی

بار خدایا درود وسلام فرست وزیاده کن ومبارك کن بر

السید المجتبی والامام المرتجی سبط المصطفی

اقاے برگزیده وامام ارزو دهنده نبیره مصطفی

وابن

وابن المرتضی علم الهدی العالم الرفیع ذی

پسر علی مرتضی علمهاے هدایت عالمست بلند وصاحب

الحسب المنیع والفضل الجمیع والشرف الرفیع

... وفضل همه وشرافت بلند

الشفیع ابن الشفیع المقتول بالسم النقیع المدفون

شفاعت کننده پسر شفاعت کننده کشته شده ... مدفون

بارض البقیع العالم بالفرایض والسنن صاحب

بزمین بقیع عالمست بفرضها وسنتها صاحب

الجود والمنن کاشف الضر والبلوی و

بخشش ومنت دور کننده ضرر وبلا و

المحن الذی عجز عن عد مدائحه لسان

محنت انچنانکه عاجزاست از شمردن مدح او زبان

اللسن الامام بالحق المؤتمن ابی محمد الحسن

... امام بحق محل وثوق پدر محمد حسن

صلوات الله وسلامه علیه الصلوٰة

درود خدا وسلام خدا براو باد درود خدا

والسلام علیك یا ابا محمد یا حسن بن علی

وسلام بر تو باد اے پدر محمد اے حسن پسر علی

أيها المجتبى يا ابن رسول الله يا ابن أمير المؤمنين
اى مجتبى برگزيده اى پسر فرستاده شده خدا اى پسر سردار مومنين
يا ابن فاطمة الزهراء يا سيد شباب أهل الجنة
اى پسر فاطمه زهرا اى آقاى جوانان اهل بهشت
أجمعين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا
بطريق جمع اى حجت خدا بر خلق خدا اى آقاى ما و مولاى ما
إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله
بدرستيكه ما رو كرديم و طلب شفاعت كرديم ما و متوسل شديم بتو بسوى خدا
تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا في
عالى و پيش انداختيم ما تو را پيش دو دست خود حاجتهاى خود را در
الدنيا والآخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا
دنيا و آخرت اى نيكو روى نزد خدا شفيع شو از براى ما
عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
نزد خدا بار خدايا درود و سلام فرست و زياد كن و مبارك كن
على السيد الزاهد والإمام الراكع الساجد
بر آقاى صاحب زهد و امام ركوع كننده و سجده كننده
زين المنابر والمساجد ولي الملك الماجد
زينت منبرها و مسجدها ولى پادشاه نيكو

وقتيل الكافر الجاحد صاحب المحنة والكرب
و كشته شده كافر منكر صاحب محنت و بلا
والبلاء المدفون بأرض كربلاء سبط رسول
مدفون است بزمين كربلا نبيره رسول
الثقلين ونور العينين مولانا ومولى الكونين
ثقلين و نور چشمان مولاى ما و مولاى دو سرا
الإمام بالحق أبي عبد الله الحسين صلوات
امام بحق پدر بنده خدا حسين درود خدا
الله وسلامه عليه الصلاة والسلام
خدا و سلام خدا بر او و درود خدا و سلام خدا
عليك يا أبا عبد الله يا حسين بن علي أيها
بر تو باد اى اباعبدالله اى حسين پسر على اى يكسى
الشهيد يا ابن رسول الله يا ابن أمير المؤمنين
كشته شده اى پسر فرستاده خدا اى پسر امير مومنان
يا ابن فاطمة الزهراء يا سيد شباب أهل
اى پسر فاطمه زهرا اى آقاى جوانان اهل
الجنة يا أبا الأئمة الأطهار يا حجة الله على
بهشت اى پدر امامها پاكيزه اى حجت خدا بر

خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا
خلق خدا اے آقاے ما ومولاے ما بدرستیکه ما رو کردیم وطلب شفاعت کردیم ما
وتوسلنا بك الى الله تعالى وقدمناك
ومتوسل شدیم ما بتو بسوے خداے عالی وپیش انداختیم ما ترا
بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة
میان دو دست حاجت خود در دنیا واخرت
يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم
اے نیکو روے نزد خدا شفیع شو از براے ما نزد خدا بار خدایا
صل وسلم وزد وبارك على ابي الائمة و
درود وسلام فرست وزیاد کن ومبارك گردان بر پدران امامها و
وسراج الامة وكاشف الغمة ومحي السنة
وچراغ امت وظاهر کننده غمها وزنده کننده سنتها
وسني الهمة ورفيع الرتبة وانيس الكربة
وپسندیده همت وبلند مرتبه وهمونس حزن واندوه
وصاحب الندبة المدفون بارض طيبة
وصاحب گریه مدفون شد بزمین پاکیزه
المنزه من كل شين الامام بالحق زين العابدين
بری وبیزار است از هر نقصی امام بحق زینت عبادت کنندگان

ابي محمد علي بن الحسين صلوات الله وسلامه
علی پسر حسین درود خدا وسلام خدا
عليه الصلوة والسلام عليك يا ابا محمد يا
بر او باد درود وسلام بر تو باد اے پدر محمد اے
علي بن الحسين يا زين العابدين ايها السجاد
علی پسر حسین اے زینت دهنده عابدین اے کرو سجده کنندگان
يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله
اے پسر فرستاده شده اے پسر امیر مومنان واے حجت خدا
على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا و
بر خلق خدا اے آقاے ما اے مولاے ما بدرستیکه ما رو آوردیم
استشفعنا وتوسلنا بك الى الله تعالى و
وطلب شفاعت کردیم بتو ومتوسل شدیم ما بتو بسوے خداے عالی و
قدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا و
پیش انداختیم ما ترا میان دو دست حاجت خود در دنیا و
الآخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
اخرت اے نیکو روے نزد خدا شفیع شو از براے ما نزد خدا
اللهم صل وسلم وزد وبارك على قمر الائمة
بار خدایا درود فرست وزیاد کن ومبارك گردان بر ماه امامها

وَنُورِ الْاَنْوَارِ وَقَائِدِ الْاَخْيَارِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ
در نور نورها بنهان نيكان پاكيزه پاكيزگان
وَالنَّجْمِ الزَّاهِرِ وَالْبَدْرِ الْبَاهِرِ وَالْبَحْرِ الزَّاخِرِ
وستاره ظاهر و بر ماه ظاهر و دریای عظیم
وَالدُّرِّ الْفَاخِرِ السَّيِّدِ الْوَجِيهِ الْاِمَامِ النَّبِيهِ
و در های گرانمایه آقای خوب روی امام پیشوای متنبه کننده
الْمَدْفُونِ عِنْدَ جَدِّهِ وَاَبِيهِ الْحَبْرِ الْمَلِيِّ عِنْدَ
دفن شده است نزد جد خود و نزد پدر خود دانا در نزد
الْعَدُوِّ وَالْوَلِيِّ الْاِمَامِ بِالْحَقِّ الْاَزَلِيِّ
دشمنان و ولی امام بحق ازلی
اَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ
پدر امام جعفر محمد پسر علی درود خدا و سلام خدا
عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا جَعْفَرٍ
بر او باد درود خدا و سلام خدا بر تو باد ای پدر جعفر
يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ
ای محمد پسر علی ای باقر ای پسر رسول خدا
يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ يَا
ای پسر امیر مومنان ای حجت خدا بر خلق خدا ای

بكنا

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلٰنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
ای آقای من و مولای ما بدرستیکه ما رو آوردیم و طلب شفاعت کردیم بتو
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى وَقَدَّمْنَاكَ
و متوسل شدیم ما بتو بسوی خدا تعالی و پیش انداختیم ما تو را
بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ يَا
میان دو دست حاجت خود در دنیا و آخرت ای
وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ
نیکو روی نزد خدا شفیع شو از برای ما نزد خدا ای بار خدایا
صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصَّادِقِ
وسلم
درود فرست و زیاد کن و مبارک گردان بر آقای راستگو در قول و فعل
الصِّدِّيقِ الْعَالِمِ الْوَثِيقِ الْحَلِيمِ الشَّفِيقِ سَاقِي
از راست گویان عالمیست با اعتماد حلم دارنده است و مهربان است شافی
شِيعَتِهِ مِنَ الرَّحِيقِ وَمُبَلِّغِ اَعْدَائِهِ اِلَى الْحَرِيقِ
شیعه خود را از آب خوشگوار و رساننده است دشمنان خود را بسوی جهنم
الْهَادِي اِلَى الطَّرِيقِ صَاحِبِ الشَّرَفِ الرَّفِيعِ
هدایت کننده بسوی راه صاحب شرافت بلند
وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ الْمَدْفُونِ بِاَرْضِ الْبَقِيعِ الْمُهَذَّبِ
و جمیع فضل مدفون است بزمین بقیع پاکیزه

الْمُؤَيَّدِ الْاِمَامِ بِالْحَقِّ الْمُمَجَّدِ الْاَمْجَدِ اَبِی عَبْدِ اللّٰهِ
تاییدکرده شده از حق امام بحق صاحب ملح بسیار خوب ابی عبد الله
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ
جعفر بن محمد درود خدا وسلام خدا بر او
الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا
درود خدا وسلام خدا بر تو باد ای بنده کان خدا ای
جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَیُّهَا الصَّادِقُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ
جعفر پسر محمد ای راست گوی ای پسر فرستاده خدا
یَا ابْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ یَا
ای پسر امیر المومنین ای حجت خدا بر خلق خدا ای
سَیِّدَنَا وَمَوْلٰنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَ
آقای ما ومولای ما بدرستی که رو کردیم ما بتو وطلب شفاعت کردیم
تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَی اللّٰهِ تَعَالٰی وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ
ومتوسل شدیم ما بتو بسوی خدا عالی وپیش انداختیم ما تورا میان
یَدَیْ حَاجَاتِنَا فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا وَجِیهًا
دو دست حاجت خود در دنیا وآخرت ای نیکو روی نزد
عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا بار خدایا درود

وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَی السَّیِّدِ الْكَرِیمِ الْاِمَامِ
وسلام فرست وزیاده کن وعبادلکرداد بر آقای کریم امام
الْحَلِیمِ الصَّابِرِ الْكَاظِمِ سَمِیِّ الْكَلِیمِ صَاحِبِ الْحَبْسِ
حلیم صبر کننده همنام حضرت کلیم صاحب لشکرها
الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ قُرَیْشٍ صَاحِبِ الشَّرَفِ الْاَنْوَرِ
مدفون است در مقبره طایفه قریش صاحب شرافت انورتر
وَالْجَبِینِ الْاَظْهَرِ وَالْمَجْدِ الْاَطْهَرِ الْاِمَامِ بِالْحَقِّ
وپیشانی روشن ومجد طاهر امام بحق
اَبِی اِبْرٰهِیمَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُ
درود خدا وسلام خدا
عَلَیْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْكَاظِمُ
بر او باد درود وسلام بر تو باد ای کاظم
یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ یَا ابْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ
ای پسر فرستاده خدا ای پسر سردار مومنان ای حجت خدا
عَلٰی خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَمَوْلٰنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ
بر خلق خدا ای آقای ما وای مولای ما بدرستی که رو کردیم ما و
اسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَی اللّٰهِ تَعَالٰی وَ
طلب شفاعت کردیم ما بتو ومتوسل شدیم ما بتو بسوی خدای عالی و

قدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا و
هش انداختیم ما تو را میان دو دست حاجت خود را در دنیا و
الآخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
آخرت ای نیکو روی نزد خدا شفیع شو از برای ما نزد خدا
اللهم صل وسلم وزد وبارك على السيد
بار خدایا درود و سلام فرست و زیاد کن و مبارک گردان بر آقای
المعصوم والامام المظلوم والشهيد المسموم
بی گناه و امام ظلم کرده شده و شهید سم داده شده
والغريب المغموم والقتيل المحروم عالم علم
و بیکس غمناک و کشته شده محروم عالم است علم
المكتوم وبدر النجوم شمس الشموس وانيس
پنهان را و ماه ستارگان آفتاب آفتابها و مونس
النفوس المدفون بارض طوس الرضي المرتضى
نفسها مدفون است بزمین طوس پسندیده پسندیده
المرتجى المجتبى الامام بالحق ابي الحسن علي
امام مجتبی ابی الحسن علی
ابن موسى الرضا صلوات الله وسلامه
پسر موسی الرضا درود خدا و سلام خدا

عليه

عليه الصلوة والسلام عليك يا ابا الحسن
بر او باد درود و سلام خدا بر تو باد ای پدر حسن
ايها الرضا يا بن رسول الله يا بن امير المؤمنين
ای پسندیده ای پسر رسول خدا ای پسر امیر مومنان
يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا
ای حجت خدا بر خلق خدا ای آقای ما و ای مولای ما
انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله
بدرستی که ما رو کردیم و طلب شفاعت کردیم بتو و متوسل شدیم بتو بسوی خدا
تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا في
تعالی و پیش انداختیم ما تو را میان دو دست حاجت خود را در
الدنيا والآخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا
دنیا و آخرت ای نیکو روی نزد خدا شفیع شو از برای ما
عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
نزد خدا بار خدایا درود و سلام فرست و زیاد کن و مبارک گردان
على السيد العادل العالم الفاضل الكامل
بر آقای صاحب عدالت عالم فاضل کامل
الباذل الاجود الجواد عارف باسرار المبدء
عطا کننده بخشش دارنده صاحب بخشش دانای بسر مبدء

وَالْمَعَادِ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ مَنَاصِ الْمُحِبِّينَ يَوْمَ
ومعاد و از برای همه مردمان هادی است پناه دوستان او در روز که
يُنَادِ الْمُنَادِ الْمَذْكُورُ فِي الْهِدَايَةِ وَالْإِرْشَادِ
ندا میکند نداکننده که ذکر شده در هدایت و ارشاد
الْمَدْفُونُ بِأَرْضِ بَغْدَادِ السَّيِّدِ الْعَرَبِيِّ وَ
مدفون است بزمین بغداد آقا که منسوب است بعرب است
الْإِمَامِ الْأَحْمَدِيِّ وَالنُّورِ الْمُحَمَّدِيِّ الْمُلَقَّبِ
امام که منسوب است باحمد و نور محمدی نام نهاده شد
بِالتَّقِيِّ الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ
بتقی است امام بحق ابی جعفر پسر علی بر او باد
السَّلَامُ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيُّ
سلام درود و سلام بر تو باد ای تقی
الْجَوَادِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
بخشش دار ای پسر فرستاده شده خدا ای پسر امیر مومنان
يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
ای حجت خدا بر خلق خدا ای آقای ما و ای مولای ما
إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللّٰهِ
بدرستیکه رو کردیم بتو ما و طلب شفاعت کردیم بتو و متوسل شدیم ما بتو بسوی خدا

تَعَالَىٰ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي
عالی و مقدم انداختیم ما تو را میان دو دست حاجت خود را در
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنَا
دنیا و آخرت ای بزرگوار نزد خدا شفیع شو از برای ما
عِنْدَ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ
نزد خدا بار خدایا درود و سلام فرست و زیاد کن و مبارک گردان
عَلَى الْإِمَامَيْنِ الْهُمَامَيْنِ التَّمَامَيْنِ السَّيِّدَيْنِ
بر دو امام بر دو تمام آقایان
السَّنَدَيْنِ الْفَاضِلَيْنِ الْكَامِلَيْنِ الْبَاذِلَيْنِ
بر دو حجت بر دو فاضل کامل بر دو عطاکننده
الْعَادِلَيْنِ الْعَامِلَيْنِ الْعَالِمَيْنِ الْأَوْرَعَيْنِ
عادل بر دو عمل کننده عالم بر دو زهد کننده
الْأَطْهَرَيْنِ الشَّمْسَيْنِ الْقَمَرَيْنِ النُّورَيْنِ النَّيِّرَيْنِ
ظاهرکننده و بر دو شمس و قمر و بر دو نور دو روشن
وَارِثَيِ الْمَشْعَرَيْنِ وَأَهْلَيِ الْحَرَمَيْنِ كَهْفَيِ التُّقَىٰ
و بر دو وارث دو مشعر و بر دو صاحب دو حرم و بر دو پرهیزکاران
بَدْرَيِ الدُّجَىٰ غَوْثَيِ الْوَرَىٰ طَوْدَيِ النُّهَىٰ
و بر دو روشنی شب تار و بر دو کان

علی الهدی المدفونین بسرّ من رای کاشفی

دبردوعلیها ی هدایت بردو کسانیکه مدفونند بسرّمن رای ظاهرکنندهٔ

البلوی والمحن ابی الحسن علی النقی و ابی

سکوبت و محنت پدر حسن علی و پدر

محمد الحسن علیهما السلام الصلوة والسلام

برهردوشما باد سلام درود و سلام

علیکما یا بنی رسول الله یا بنی امیر المؤمنین

برشما باد ای پسر رسول خدا ای دوپسرامیر مومنان

یا حجتی الله علی خلقه یا سیدنا و مولینا

ای دو حجت خدا بر خلق خدا ای دوآقای ما و ای دو مولای ما

انا توجهنا واستشفعنا و توسلنا بکما الی الله

بدرستیکه ما روکردیم و طلب شفاعت کردیم بتو و متوسل شدیم ما بتو بسوی خدا

وقدمنا کما بین یدی حاجاتنا فی الدنیا و

وپیش انداختیم ما شمارا میان دودست حاجت خود در دنیا و

الاخرة یا وجیهین عند الله اشفعا لنا عند الله

اخرت ای نیکو رویان ما نزد خدا از برای ما شفیع شوید نزد خدا

اللهم صل وسلم وزد وبارک علی صاحب

ای بارخدایا درود و سلام فرست و زیاده کن و مبارک گردان بر صاحب

الدعوة النبویة والصولة الحیدریة والعصمة

خوانده شدهٔ نبوت و حمله کننده حیدریه و بر عصمت دارنده

الفاطمیة والحلم الحسنیة والشجاعة الحسینیة

فاطمه و حلم دارنده حسن و شجاعت امام حسین

والعبادة السجادیة والمآثر الباقریة و

و بر عبادة کننده حضرت سجاد و بر روایت کننده منسوب بسوی باقر و

الآثار الجعفریة والعلوم الکاظمیة والحجج

علامات حضرت جعفر و علم هایی که منسوب بسوی حضرت کاظم و بر حجتهای

الرضویة والجود التقویة والنقاوة النقویة

منسوب بسوی حضرت امام رضا و بر جواد کرم پاکیزه است

والهیبة العسکریة القائم بالحق والداعی

و بر هیبت که منسوب بسوی حضرت عسکری که قائم است بحق و خوانده شده است

الی الصدق المطلق کلمة الله و امان الله و

بسوی راستی و رها کنده است بکلام خدا و ایمن است از جانب خدا و

حجة الله المقسط لدین الله الغالب بامر الله

حجت خدا قسمت کننده از برای دین خدا و غالب شونده بامر خدا

والذاب عن حرم الله امام السر والعلن و

و کناره شده است از حرم خدا امام پنهان و آشکار و

صاحب الجود والمنن الامام بالحق يا ابا القاسم
صاحب بخشش ومنت امام بحق پدر قاسم
محمد بن الحسن صاحب الزمان وخليفة الرحمن
محمد بن حسن صاحب زمان وخليفه حضرت رحمن
ومظهر الايمان وسيد الانس والجان صلوات
وظاهر كننده ايمان وآقاى آدميان وجنيان درود خدا
الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين الصلوة
خدا وسلام خدا بر او باد وبر ايشان همگى درود
والسلام عليك يا وصى الحسن ويا امام
وسلام فرستاده بر تو اى وصى حسن واى امام
زماننا ايها القائم المنتظر يا ابن رسول الله
زمان ما اى ايستاده منتظر اى پسر رسول خدا
يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا
اى پسر امير مؤمنان واى حجت خدا بر خلق خدا
سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا و
آقاى ما واى مولاى ما بدرستيكه رو كرديم ما وطلب شفاعت كرديم ما
توسلنا بك الى الله تعالى وقدمناك بين يدى
متوسل شديم ما بتو بسوى خدا تعالى وپيش انداختيم ما تو را پيش

حاجاتنا فى الدنيا والآخرة يا وجيها عند الله
حاجت ما را در دنيا وآخرت اى نيكو روى نزد خدا
اشفع لنا عند الله اللهم ان هؤلاء ائمتنا
شفيع شو از براى ما نزد خدا اى بارخدايا بدرستيكه اين جماعت امامان ما اند
وسادتنا وكبراؤنا وشفعاؤنا بهم اتولى
وآقايان ما اند وبزرگواران ما اند وشفيعان ما اند بر ايشان متوجه شديم
ومن اعدائهم نتبرء فى الدنيا والآخرة
واز دشمنان ايشان بيزاريم در دنيا وآخرت بارخدايا
وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره
اعانت فرما كسى را كه اعانت كند او را ودشمن دار كسى را كه دشمن دارد او را وياري كن كسى را كه ياري كند
واخذل من خذله والعن على من ظلمهم و
وذليل فرما كسى را كه ذليل خواهد او را ولعنت فرما بر كسى كه ظلم كند ايشان را و
انصر شيعتهم واهلك عدوهم من الجن و
ياري كن شيعه ايشان را وهلاك كن دشمنان ايشان را از جن و
الانس من الاولين والآخرين الى يوم الدين
آدميان از اولين وآخرين الى يوم دين
اللهم زدنا محبتهم وارزقنا شفاعتهم و
بارخدايا زياد كن ما را محبت ايشان وروزى كن ما را شفاعت ايشان و

وَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوَائِهِمْ وَ
و محشور کن ما را با ایشان و در گروه ایشان و در زیر علمهای ایشان
لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِفَضْلِكَ وَ
و جدا مینداز میان ما و ایشان در روز قیامت بفضل خود و
كَرَمِكَ وَإِحْسَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بخشش خود و احسان تو و رحمت تو ای رحم کنندۀ رحم کنندگان
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
و درود خدا بر محمد و آل محمد پاکیزگان اند

هذا دعاء اختتام

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنَّا بِهِمْ
بار خدایا درود فرست محمد و آل محمد و فرج بده ما را بسبب ایشان
كُلَّ غَمٍّ وَاكْشِفْ عَنَّا بِهِمْ كُلَّ هَمٍّ وَاقْضِ لَنَا بِهِمْ
هر غمی را و ظاهر کن ما را بسبب ایشان هر همی را و براورد ما را بسبب ایشان
كُلَّ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
هر حاجتی را از حاجتهای دنیا و آخرت
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْنَا بِهِمْ
بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشمار ما را بایشان

من

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
از شر آنچه خلق کرده‌ای تو بار خدایا درود فرست بر محمد و
آلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ بِهِمْ عَوْرَتَنَا وَاسْتُرْ
آل محمد و محافظت فرما بسبب ایشان عورت ما را و بپوشان
بِهِمْ عُيُوبَنَا وَاكْفِنَا بِهِمْ بَغْيَ مَنْ
بسبب ایشان عیبهای ما را و کفایت کن ما را بسبب ایشان
بَغَى عَلَيْنَا وَانْصُرْنَا بِهِمْ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ
بر ما و یاری کن ما را بسبب ایشان از شر دیوان
الرَّجِيمِ وَمِنْ جَوْرِ السُّلْطَانِ الْعَنِيدِ
رانده شده و از تعدی پادشاه
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و
اجْعَلْنَا بِهِمْ فِي سِتْرِكَ وَفِي حِفْظِكَ وَ
و بگردان بسبب ایشان در ... و در حفظ خود و
فِي كَنَفِكَ وَحِرْزِكَ وَفِي أَمَانِكَ
در کنف خود و حرز خود و در امان خود
وَعَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلٰهَ
و نیست خدا

غيرك توكلت على الحي الذي لا يموت
غير تو توكل كرديم ما بر زنده ايچنانی كه نميرد
والحمد لله الذي لم يتخذ ولم يكن له
وحمد از براى خداى انچنانى كه نگرفت فرزند و نمى باشد از براى او
شريك في الملك ولم يكن له ولي
شريكى در ملك و نمى باشد از براى او دوستى
من الذل وكبره تكبيرا و
و تكبير كن او را تكبير كردنى
حسبنا الله وحده والصلوة والسلام
كفايت ميكند ما را خدا و تنها و درود و سلام فرست
على خير خلقه محمد وآله وعترته
بر بهترين خلق خدا محمد و آل او و عترت او
اجمعين وسلم تسليما كثيرا كثيرا
جميعا و سلام فرست بسيار بسيار

لعن خلفاء بغير حق

مر خواجه نصير قدس سره

من كنت مولاه فهذا علي مولاه

اعوذ بالله من النار ومن غضب الجبار ومن
شر الكفار العزة لله الواحد القهار اللهم
العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وغصب
حقهم وهو الزنديق الاكبر الاحمق الاكبر
الكافر المرتد وثاني شين نمرود الفاسق
المشرك المطرود عدو الله وعدو الرسول الذي
انكر حق البتول غاصب ارض الفدك رئيس اهل
الدرك سند اهل الضلالة والشقاوة خسر الدنيا

والاخوة الملقب بكلب وادي التهامة المؤبد على
عذاب يوم القيمة قاطع حق الخلافة ابو بكر بن
ابي قحافة اللهم العن على الملحد المشرك الشقي
رئيس اهل الظلم عدو الله وعدو الرسول و
الولي الملعون بالنص الجلي غاصب حق ابي
تراب باعث ايجاد النار والعذاب خارب المسجد
والمحراب فرعون امة شافع يوم الحساب
المحروم من الحسنات والثواب المردود من
الاعمال والاداب الظالم عند اولي الالباب

الكافر

الكافر في المبدء والماب المخاطب بكلب السقر
الكذاب المرتاب المخلد على غضب الملك الوهاب
عمر بن الخطاب عليه اللعنة والعذاب
اللهم العن على الاسفل الاعرج الاعوج
الاحمق الخليفة بغير الحق الفاسق الفاجر المنافق
الكافر ولد الاكبر الشيطان سارق كلام
الملك المنان دجال اخر الزمان شارب الزفور
ولابس القطران امام اهل النيران ثالث قارون
وهامان مبطل ايات الفرقان المسمى بكلب النيران

الواصل الى عقاب الرحمن الشيطان بن الشيطان
عثمان بن عفان عليه اللعنة والنيران اللهم
العن على مجوس امة الرسول الامين عدو الله
وعدو امير المومنين المكنى بجال الكافرين و
القاسطين والمارقين والمنافقين وامير الفاسقين
والفاجرين وسبب تضييع مذهب سيد المرسلين
الملعون بالدلايل والبراهين رئيس الاشقيا
من الاولين والاخرين لعنة الله عليه من
الان الى يوم الدين مؤسس اساس الظلم

والبدعه والطغيان معاوية بن ابي سفيان
عليه غضب الرحمن اللهم العن على الزنديق
الاكبر الابتر فرعون الضلال الكافر المنافق السفال
الظالم العاصي الطاغي الباغي العادي
المفسد الملحد المجرم ولد الزنا قاتل سيد الشهداء
اشقى الاشقياء الذي عجز عن لعنه جميع الاشيا
قابيل ال العباء شريك الشيطان في لعنة
الله تبارك وتعالى المقيد بسخط خالق الارض
والسماء الكلب النجس الظالم المجوس في قعر الهاوية

يزيد بن معاوية اللهم العن على الكافر الفاسق
المشرك الملعون الظالم الجبار المكار الشرير
المردود كاتب عثمان الغدار عدو الله وعدو
الرسول المختار وعدو الحيدر الكرار الشقي
المشهور بين الامم الخائن الخاسر في الوجود
والعدم خنزير وادي العرب والعجم الدائم
في عذاب جهنم مروان بن الحكم اللهم العن
على الشريرة الملعونة الجارية الباعثة
على حرب الجمل الباغية الباقية في عذاب

الملك

الملك الاعظم الاجل المعذب بقعر درك الاسفل
بنت امير الاشرار وخليفة الكفار الفجار في يوم
اثنية بنت ابي بكر اللعين عايشة الباغية
اللهم العن على مصنف نقال احاديث الكذب
ومخترع البدعة في الحج والطواف الكافر الطاغي
اللعين النسناس الوسواس الخناس الذي
يوسوس في صدور الناس عدو الله وعدو
امير البررة وشيخ الكفرة اعني ابا هريرة اللهم
العن على امير الكوفة والبغداد ثاني اثنين عمر

وشداد باعث ايجاد اهل الفساد الملعون
في المبدء والمعاد الكافر في الآباء
والأجداد المبرء من كل صلاح وسداد
المعذب في يوم المعاد المشهور في جميع البلاد بالظلم
والعناد ديوس القواد لعنة الله عليه الى يوم
التناد عبيد الله بن زياد اللهم العن على
من افتخر بظلمه آحاد الممكنات واعترف ببغيه
افراد الموجودات المذموم في الارضين و
السموات الخائف في يوم العرصات المحروم

من

من الحسنات والدرجات مغضوب رب العالمين
وقاتل امير المؤمنين عدو الله وعدو اهل البيت
الامين الجليل المشؤم الملعون في التورية
والانجيل المنكر بتأويل الكتاب والتنزيل
اليهود الفاجر البخيل ولد الزنا الذي
خلده الله في عذاب غلاظ وشداد عبد
الرحمن بن الملجم المرادي اللهم العن على من دخل
في سقيفة بني ساعدة وافتخر بخلافة ابي بكر
الخليفة وانكر بيعة يوم الغدير الكافر الملعون

الشريرِ عليه لعنةُ الله الملكِ القديرِ المردودِ
الغاوي الضالِّ المضلِّ عوفِ بنِ مالكٍ
اللهمّ العن على شديدِ العداوةِ من المهاجرين
والانصارِ ورئيسِ الاشرارِ والغدّارِ
الذي لا يؤمن بالله ورسوله المختارِ قائدِ
المنافقين الى عينِ المعايبِ والسفائحِ مجموعةِ
الفضائحِ والقبائحِ رئيسِ اهلِ البهتانِ و
الخوفِ عبدِ الرحمنِ بنِ عوفٍ اللهمّ العن على الكافرين
الفاجرين الملعونين في الثقلين المشهورين

الباغضين

الباغضين في البحرين والبرّين رئيسي اهلِ
الظلم من اهلِ المشرقين والمغربين خاربي الحرمين
الشريفين باعثي حربِ الجمل والصفين مع
امير الكونين الكافرين الزنديقين قاطعي سبل
الخير اعني طلحة وزبير اللهمّ العن على الطاعنين
الباغيين اللاهيين الاحمقين النحسين النجسين
الساحرين الكاذبين المحرومين من ثوابِ الوعد
والوعيد عذّبهما الله في عذابٍ اليمٍ وشديد
اعني سعداً وسعيداً اللهمّ العنهم جميعاً

بني امية قاطبة الى يوم الدين امين رب العالمين

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه و
سرح قطع الليل المظلم بغياهب تلجلجه
واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير
تبرجه وشعشع ضياء الشمس بنور تاججه

يا من

يا من دل على ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة
مخلوقاته وجل عن ملائمة كيفياته يا
من قرب من خطرات الظنون وبعد عن ملاحظة
العيون وعلم بما كان قبل ان يكون يا من
ارقدني في مهاد امنه وامانه وايقظني الى
ما منحني به من مننه واحسانه وكف اكف
السوء عني بيده وسلطانه صل اللهم على
الدليل اليك في الليل الاليل والماسك
من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع

الحسب في ذروة الكاهل الاعبل والثابت
القدم على زحاليفها في الزمن الاول و
على آله الاخيار المصطفين الابرار و
افتح اللهم لنا مصاريع الصباح بمفاتيح
الرحمة والفلاح والبسني اللهم من افضل
خلع الهداية والصلاح واغرس اللهم
لعظمتك في شرب جناني ينابيع الخشوع
واجر اللهم لهيبتك من اماقي زفرات الدموع
وادب اللهم نزق الخرق مني بازمة القنوع

ه

الهي لم تبتدانی الرحمة منك بحسن التوفيق فمن
السالك بي اليك في واضح الطريق وان اسلمتني
اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي
من كبوات الهوى وان خذلني نصرك عند
محاربة النفس والشيطان فقد وكلني
خذلانك الى حيث النصب والحرمان الهي
اتراني ما اتيتك الا من حيث الامال ام علقت
باطراف حبالك الا حين باعدتني ذنوبي
عن دار الوصال فبئس المطية التي امتطت

نفسي من هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها
ومناها وتبّا لها لجرأتها على سيدها و
مولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي
وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت
باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم
عما اجرمته من زللي وخطائي واقلني اللهم
من صرعة ردائي فانك سيدي ومولاي
ومعتمدي ورجائي وغاية مطلوبي ومناي
في منقلبي ومثواي الهي كيف تطرد مسكينا

التجا

التجا اليك من الذنوب هاربا ام كيف تخيب
مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا ام كيف
ترد ظمانا ورد الى حياضك شاربا كلا و
حياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح
للطلب والوغول وانت غاية السؤل ونهاية
المامول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها بعقال
مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك
ورافتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها
الى جناب لطفك وعفوك فاجعل اللهم

صباحی هذا نازلا علی ضیاء الهدی و
السلامة فی الدین والدنیا ومسائی جنة
من کید العدی ووقایة من مردیات الهوی
انک قادر علی ما تشاء تؤتی الملک من تشاء
وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء و
تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء
قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار
فی اللیل وتخرج الحی من المیت وتخرج
المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب

لا اله الا انت سبحانک اللهم وبحمدک من ذا
یعرف قدرتک فلا یخافک ومن ذا یعلم ما انت
فلا یهابک الفت بقدرتک الفرق وفلقت بلطفک
الفلق وانرت بکرمک دیاجی الغسق وانهرت
المیاه من الصم الصیاخید عذبا واجاجا
وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت
الشمس والقمر للبریة سراجا وهاجا من غیر
ان تمارس فیما ابتدات به لغوبا ولا علاجا
فیا من توحد بالعز والبقاء صل علی محمد

وَالِهِ الأتقياء واسْتَمِعْ نِدائي واسْتَجِبْ دُعائي
وَاَهْلِكْ اَعْدائي وحَقِّقْ بِفَضْلِكَ اَمَلي وَرَجائي
يا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَالمَامُولُ لِكُلِّ
عُسْرٍ وَيُسْرٍ بِكَ اَنْزَلْتُ حاجَتي فَلا تَرُدَّني
مِنْ سَنِيِّ مَواهِبِكَ خائِبًا يا كَريمُ يا كَريمُ
يا كَريمُ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

هذا دعاء مشلول الجمعة هو مظلم مشروع [illegible] سحر الاجابة [illegible]

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ
اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

يا ذا الجلال

يا ذا الجَلالِ وَالاِكْرامِ يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا لا اِلهَ
اِلّا اَنْتَ يا هُوَ يا مَنْ لا يَعْلَمُ الّا هُوَ وَلا كَيْفَ
هُوَ وَلا اَيْنَ هُوَ وَلا حَيْثُ هُوَ اِلّا هُوَ يا ذا
المُلْكِ وَالمَلَكوتِ يا ذا العِزَّةِ وَالجَبَروتِ
يا مَلِكُ يا قُدّوسُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا عَزيزُ
يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا خالِقُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ
يا مُعيدُ يا مُدَبِّرُ يا شَديدُ يا مُبْدِئُ يا مُعيدُ
يا مُبيدُ يا وَدودُ يا مَحْمودُ يا مَعْبودُ يا بَعيدُ
يا قَريبُ يا مُجيبُ يا رَقيبُ يا حَسيبُ يا بَديعُ

يا رفيع يا منيع يا سميع يا عليم يا حكيم يا كريم
يا حليم يا قديم يا علي يا عظيم يا حنان يا منان
يا ديان يا برهان يا مستعان يا جليل يا
جميل يا كفيل يا مقيل يا منيل يا نبيل يا دليل
يا هادي يا بادي يا اول يا اخر يا ظاهر
يا باطن يا قائم يا دائم يا عالم يا حاكم يا قاضي
يا عادل يا فاضل يا واصل يا طاهر يا مطهر
يا قادر يا مقتدر يا كبير يا متكبر يا واحد يا احد
يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا

احد ولم يكن له صاحبة ولا كان معه وزير
ولا اتخذ معه مشيرا ولا احتاج الى ظهير
ولا كان معه من اله لا اله الا انت فتعاليت
عما يقول الجاحدون علوا كبيرا يا علي يا
شامخ يا باذخ يا فتاح يا نفاح يا مرتاح
يا مفرج يا ناصر يا منتصر يا مدرك يا مهلك
يا منتقم يا باعث يا وارث يا اول يا اخر يا طالب
يا غالب يا من لا يفوته هارب يا اواب يا تواب
يا وهاب يا مسبب الاسباب يا مفتح الابواب

يا من حيث ما دعي اجاب يا طهور يا شكور
يا عفو يا غفور يا نور النور يا مدبر الامور
يا لطيف يا خبير يا مجير يا منير يا بصير يا ظهير
يا كبير يا وتر يا فرد يا ابد يا صمد يا سند يا كافي
يا شافي يا معافي يا محسن يا مجمل يا منعم يا
مفضل يا متكبر يا متفرد يا من علا فقهر يا
من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد
فشكر يا من عصي فغفر وستر يا من لا يحويه
الفكر ولا يدركه بصر ولا يخفى عليه اثر

يا راق

اثر يا رازق البشر يا مقدر كل قدر يا عالي المكان
يا شديد الاركان يا مبدل الزمان يا قابل القربان
يا ذا المن والاحسان يا ذا العز والسلطان يا
رحيم يا رحمن يا من هو كل يوم في شان (يا من لا يشغله شان) عن
شان يا عظيم الشان يا من هو بكل مكان
يا سامع الاصوات يا مجيب الدعوات يا منجح
الطلبات يا قاضي الحاجات يا منزل البركات
يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف الكربات
يا ولي الحسنات يا رفيع الدرجات يا معطي

السؤلات یا محیی الاموات یا مطلع علی النیات

یا راد ما قد فات یا من لا تشتبه علیه الاصوات

یا من لا تضجره المسئولات و لا تغشاه الظلمات

یا نور الارض و السموات یا سابغ النعم

یا دافع النقم یا باری النسم یا جامع الامم

یا شافی السقم یا خالق النور و الظلم یا ذا الجود

و الکرم یا من لا یطأ عرشه قدم یا اجود

الاجودین یا اکرم الاکرمین یا اسمع السامعین

یا ابصر الناظرین یا جار المستجیرین یا امان الخائفین

یا ظهر اللاجین یا ولی المؤمنین یا غیاث المستغیثین

یا غایة الطالبین یا صاحب کل غریب یا مونس

کل وحید یا ملجا کل طرید یا ماوی کل

شرید یا حافظ کل ضالة یا راحم الشیخ الکبیر

یا رازق الطفل الصغیر یا جابر العظم الکسیر

یا فاک کل اسیر یا مغنی البائس الفقیر یا عصمة

الخائف المستجیر یا من له التدبیر و التقدیر

یا من العسیر علیه یسیر یا من لا یحتاج الی سهل

تفسیر یا من هو علی کل شیء قدیر یا من

هو بكل شيء خبير يا من بكل شيء بصير يا مرسل
الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح
يا ذا الجود والسماح يا من بيده كل مفتاح يا
كل صوت يا سابق سامع كل فوت يا محيي كل نفس بعد الموت
يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي
في وحدتي يا وليي في نعمتي يا كهفي حين
تعييني المذاهب وتسلمني الاقارب ويخذلني
كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا سند من لا
سند له يا ذخر من لا ذخر له يا كهف من لا كهف

له يا كنز من لا كنز له يا ركن من لا ركن له
يا غياث من لا غياث له يا جار من لا جار
له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا الهي
بالتحقيق يا رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق
فكني من حلق المضيق واصرف عني كل
هم وغم وضيق واكفني شر ما اطيق وما لا
اطيق يا راد يوسف على يعقوب يا كاشف
ضر ايوب يا غافر ذنب داود يا رافع عيسى
بن مريم ومنجيه من ايدي اليهود يا مجيب

نداء يونس في الظلمات يا من اصطفى موسى
بالكلمات يا من غفر لادم خطيئته ورفع ادريس
مكانا عليا برحمته يا من نجى نوحا من الغرق
يا من اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى
وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى
والمؤتفكة اهوى يا من دمر على قوم شعيب
قوم لوط ودمدم على
يا من اتخذ ابرهيم خليلا يا من اتخذ موسى
كليما واتخذ عيسى روحا واتخذ محمدا
صلوات الله عليه واله وعليهم اجمعين

حبی

حبيبا يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب لسليمان
ملكا لا ينبغي لاحد من بعده يا من نصر ذا القرنين
على الملوك الجبابرة يا من اعطى الخضر الحيوة
ورد ليوشع بن نون الشمس بعد غروبها
يا من ربط على قلب ام موسى واحصن فرج
مريم ابنت عمران يا من حصن يحيى بن زكريا
من الذنب وسكن عن موسى الغضب يا من
بشر زكريا بيحيى يا من فدا اسمعيل من الذبح
بذبح عظيم يا من قبل قربان هابيل وجعل

صلى الله عليه وآله

اللعنة على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد صل
على محمد وآل محمد وعلى جميع انبيائك المرسلين
وملائكتك المقربين واهل طاعتك اجمعين
واسئلك بكل مسئلة سئلك بها احد ممن
رضيت عنه فحتمت له على الاجابة يا الله
يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم
يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الجلال
والاكرام يا ذا الجلال والاكرام به به به
به به به اسئلك وبكل اسم سميت

به

به نفسك او انزلته في كل شيء من كتبك او
استاثرت به في علم الغيب عندك وبمعاقد
العز من عرشك وبمنتهى الرحمة من كتابك
وبما لو ان ما في الارض من شجرة اقلام و
البحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت
كلمات الله ان الله عزيز حكيم واسئلك
باسمائك الحسنى التي نعتها في كتابك فقلت
ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني
استجب لكم وقلت واذا سئلك عبادي عني

فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ
وَقُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ
لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا
إِلَهِي وَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ
وَأَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي وَأَطْمَعُ فِي إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ
كَمَا وَعَدْتَنِي وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَافْعَلْ
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ

باكر

يا اكرمهم وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

هذا دعای سمات از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت شده بجهة مطالب بسیار مشروع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الا عظم
بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم بنام تو که بزرگست و بزرگتر بزرگتر
الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ
بزرگتر و عزیزتر و جلیل تر و گرامی تر آنچنان نامی که هرگاه خوانده شوی
بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ
بان بر بستگیهای درهای آسمان از برای گشودن بر رحمت
انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ
گشوده میشود و هرگاه خوانده شوی بان بر تنگی راه های زمین
لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ
از برای فرج باز میشود و هرگاه خوانده شوی بران بر دشواری برای آسانی

تيسرت وإذا دعيت به على الأموات للنشور
آسان میشود واگر خوانده شوی بآن بر مردها از برای زنده شدن
انتشرت وإذا دعيت به على كشف البأساء و
زنده میشوند واگر خوانده شوی بآن بر زایل شدن پرشانی و
الضراء انكشفت وبجلال وجهك الكريم أكرم
بدحالی زایل میشود وببزرگواری ذات کریم تو کرامی ترین
الوجوه وأعز الوجوه الذي عنت له الوجوه
ذاتها وعزیزترین ذاتها است آنچنان ذاتی که ذلیلند از برای او ذاتها
وخضعت له الرقاب وخشعت له الأصوات
وخاضع وشکسته اند از برای آن گردنها وپستند از برای صداها
ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك
وترسانند برای او دلها از ترس تو وبقوت تو
التي تمسك السماء أن تقع على الأرض إلا
آنچنان قوتی که نگاه میدارد آسمان را اینکه بیفتد بر زمین مگر
بإذنك وتمسك السماوات والأرض أن تزولا
باذن تو ونگاه میدارد آسمانها را وزمین را اینکه زایل شوند
وبمشيتك التي دان لها العالمون وبكلمتك
وبمشیت تو آنچنان مشیتی که مطیعند از برای عالمها وبکلمه تو

التي خلقت بها السماوات والأرض وبحكمتك
آن کلمه که خلق کردی از آن کلمه آسمانها وزمین را وبحکمت تو
التي صنعت بها العجائب وخلقت بها الظلمة
آن حکمتی که آفریدی بآن عجایب را وخلق کردی بآن تاریکی را
وجعلتها ليلا وجعلت الليل سكنا وخلقت
وگردانیدی آنرا شب وگردانیدی شب را محل سکون وخلق کردی
بها النور وجعلته نهارا وجعلت النهار
بآن نور را وگردانیدی آنرا روز وگردانیدی روز را
نشورا مبصرا وخلقت بها الشمس وجعلت
پراکنده کننده مردم وبینا کننده چیزها را وخلق کردی بآن اسم ماه را وگردانیدی
الشمس ضياء وخلقت بها القمر وجعلت القمر
آفتاب را روشن وخلق کردی بآن اسم ماه را وگردانیدی ماه را
نورا وخلقت بها الكواكب وجعلتها نجوما
روشن وخلق کردی بآن ستارها را وگردانیدی آنها نجوم
وبروجا ومصابيح وزينة ورجوما وجعلت
وبرجها وچراغها وزینت آسمان وسنگ باران شیاطین وگردانیدی
لها مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع
برای آن مشرقها ومغربها وگردانیدی برای آن محل برآمد

وَمَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكًا وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا

ومحل رفتنها وگردانیدی از برای آن فلکی ومحل گردیدنها ومقدر کردی

فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَ

در آسمان منزلها پس نیکو کرده اندازه آن منزلها و

صَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَأَحْصَيْتَهَا

صورت بخشیدی آنها پس نیکو کرده تصویر آنها را وشمردهٔ آنها را

بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا

باسمهای خود شمردنی وتدبیر کردهٔ آنها را بحکمت خود تدبیر کردنی

وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ

ونیکو کرده تدبیر آنها را ومسخر کردهٔ آنها را بتسلط شب

وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ

وتسلط روز وساعتها وشماره

السِّنِينَ وَالْحِسَابِ وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ

سالها وحساب وگردانیدهٔ دیدن آنها را از برای

النَّاسِ مَرْأًى وَاحِدًا وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ

مردمان یکنحو دیدن واحد وسؤال میکنم تو را بار خدایا بزرگواری تو

الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ

آنچنان که گفتگو کردی بآن بنده خود را وفرستاده خود را موسی پسر عمران

عم

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ

علیه السلام درمیان مقدسان انبیا بالای یافتن انوار

الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ

ملائکه مقرب وبالای ابرهای نور بالای تابوت

الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي

شهادة که گواهی در عمود آتش بعد تکلم کردی در عمود آتش ودر طور سینا ودر

جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ

کوه حوریث که در سمر حد بنه است صحرای مقدس در بقعه

الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَ

مبارک که از جانب راست کوه طور وان سخن ظاهر شد بسوی او از درخت

فِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَيَوْمَ فَرَقْتَ

ودر زمین مصر به نه آیات بینات ودر روز که شکافتی

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ

از برای بنی اسرائیل دریا را وبچشمهای که ظاهر کردی نهرها که خلق کردی آنها عجایب در

بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفَ وَعَقَدْتَ مَاءَ

بان عجایب در دریا سوف وبستی آب

الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَجَاوَزْتَ

دریا در میان دریا مانند سنگ وگذرانیدی

ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم
فرزندان یعقوب را از دریا و تمام شد وعده نیکوی تو بر ایشان
بما صبروا واورثتهم مشارق الارض و
بصبری که کردند و بمیراث دادی بایشان مشرقهای زمین و
مغاربها التي باركت فيها للعالمين و
مغربهای زمین را انچنان که برکت دادی در ان مر عالمیان را و
اغرقت فرعون وجنوده ومراكبه في اليم
و غرق کردی فرعون و جنود و لشکر او را و چهارپایان او را در دریا
وباسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل الاكرم
و بحق نام تو که بزرگ و بزرگتر و عزیزتر و جلیل تر و کریم تر
وبمجدك الذي تجليت به لموسى كليمك
و بحق بزرگواری تو انچنان مجدی که ظاهر شدی از برای موسی هم زبان تو
عليه السلام في طور سيناء ولابرهيم
علیه السلام در کوه طور سینا و از برای ابراهیم
خليلك عليه السلام من قبل في مسجد
دوست تو علیه السلام از پیش در مسجد
الخيف ولاسحق صفيك عليه السلام في
خیف و از برای اسحق برگزیده بر او سلام در

بئر شيع وليعقوب نبيك عليه السلام
در چاه شیع و از برای یعقوب پیغمبر تو علیه السلام
في بيت ايل واوفيت لابرهيم عليه السلام
در خوانه خدا که وفا کردی از برای ابراهیم علیه السلام
بميثاقك ولاسحق بحلفك وليعقوب بشهادتك
به پیمان خود و از برای اسحق بسوگند خود و از برای یعقوب بشهادت خود
وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك
و از برای مومنین بوعده خود و از برای دعا کنندگان باسمهای خود
فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران
پس اجابت کردی و بحق بزرگی تو انچنانی که ظاهر شد از برای موسی پسر عمران
عليه السلام على قبة الرمان وبآياتك
علیه السلام بر قبه رمان و بحق آیات تو
التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة
انچنان تو که بلند شد بر زمین مصر و بحق بزرگواری عزت
والغلبة بآيات عزيزة وبسلطان القوة
و غلبه بر فرعون بمعجزات غالبه و بحق تسلط قوه
وبعزة القدرة وبشان الكلمة التامة
و بغلبه قدرت و بشان کلمه تامه

وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل السموات
وبكلمات تو انچنان كلماتي كه تفضل كرده با آنها بر اهل آسمانها

والارض واهل الدنيا والاخرة وبرحمتك
واهل زمين واهل دنيا وآخرة وبحق رحمت تو

التي مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك
انچنان رحمتي كه منت نهادي بر همه خلق تو وبحق قوة وقدرة تو

التي اقمت بها العالمون وبنورك الذي قد
انچنان كه بر پا داشتي عالمها را وبحق نور تو انچنان نوري

خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك
افتاد بر رو از ترس آن كوه طور سيناء وبحق دانائي تو وبزرگي تو

وكبريائك وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها
وكبرياء تو وغلبه تو وشوكت تو انچنان شوكتي كه طاقت نياورد آنها را

الارض وانخفضت لها السموات وانزجر له
زمين وپست شد براي آنها آسمانها ومنزجر شد براي او

العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار
عمق بزرگتر وساكن شد از براي او درياها ونهرها

وخضعت لها الجبال وسكنت لها الارض
ومنقاد شد از براي او كوهها وقرار گرفت از براي او زمين

بمناكبها

بمناكبها واستسلمت لها الخلائق كلها و
با اطراف خود ومنقاد شدند از براي او خلايق همه آنها

خفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها
ومضطرب شدند از براي او بادها در وزيدن خود وفرو نشست از براي او

النيران في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت
آتش در مكانهاي خود وبحق سلطنت تو انچنان سلطنتي دانسته شد

به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات
از براي تو بان زيادتي در همه زمانها بر همه كس وستايش كرده شد با آن در آسمانها

والارض وبكلمتك كلمة الصدق التي
وزمين وبحق كلمه تو يعني وعده تو راست انچنان وعده

سبقت لابينا ادم وذريته بالرحمة واسالك
كه پيش مقرر شده بود از براي پدر ما آدم واولاد او برحمت وسؤال ميكنم ترا

بكلمتك التي غلبت كل شيء وبنور وجهك
بكلمه تو انچنان كلمه كه غلبه كرده است بر همه چيز وبنور ذات مقدس تو

الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى
انچنان ذاتي كه تجلي كرد بسبب آن از براي كوه پس گردانيد آنرا ريزه وافتاد موسى

صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء
بيهوش وبحق بزرگي تو انچنان بزرگي كه ظاهر شد بر كوه طور سيناء

فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ
پس سخن گفتی با او بنده خود را و فرستاده خود موسی پسر عمران
وَبِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرَ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ
وبطلوع کردن تو در کوه ساعیر وظاهر شدن تو در کوه
فَارَانَ وَبِرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ
فاران وبمجموع مرتبهای پاکیزگان ولشکرهای ملائکه
الصَّافِّينَ وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِبَرَكَاتِكَ
صف کشیده اند وفروتنی ملائکه که خدا را تنزیه کنند وببرکتهای تو
الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
آنچنانکه برکت داده شد بر ابراهیم پیغمبر که دوست تو است علیه السلام
فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَارَكْتَ
در امت محمد که براو باد رحمت خدا وبر آل او وبرکت دادی
لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةِ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
برای اسحق پیغمبر برگزیده تو در امت عیسی علیهما السلام
وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وبرکت دادی از برای یعقوب اسرائیل تو علیه السلام
فِي أُمَّةِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ
در امت موسی علیه السلام وبرکت دادی از برای دوست تو

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ
محمد صلعم علیه واله در خویشان او وفرزندان او
أُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا غِبْنَا عَنْهُ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَ
وامت او بار خدایا همچنانکه غایب بودیم ما از محمد وندیدیم اورا و
آمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
ایمان آوردیم باو وندیدیم اورا از روی راستی وعدالت اینکه رحمت فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
محمد وآل محمد واینکه برکت نوشتی بر محمد وآل
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرَحَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ
محمد واینکه ترحم کنی بر محمد وآل محمد مانند بهترین
مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى
آنچه رحمت فرستاده وبرکت داده وتو ترحم کرده ودوستی کرده
إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَّالٌ
بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو حمد کرده شده مجید وبزرگوار وکننده
لِمَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
از برای چیزی که اراده میکنی وتو بر همه چیز قادری
کهه دار تا نزد کرکن و بگوی یَا اَللهُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ
ای خدا ای بسیار مهربان ای بسیار انعام کننده

يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام

اى از عدم بوجود آورنده آسمان و زمين اى صاحب عظمت و اكرام

يا ارحم الراحمين اللهم بحق هذا الدعاء وبحق

اى رحم كننده ترين رحم كنندگان بار خدايا بحق اين دعا و بحق

هذه الاسماء التى لا نعلم تفسيرها ولا

اين اسماء آنچنانكه نميدانند تفسير آنرا و نميدانند

يعلم باطنها غيرك صل على محمد وال محمد

نميدانند باطن آنرا غير تو رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واغفر لى ذنوبى ما تقدم منها وما تاخر

و بيامرز براى من گناهان مرا آنچه گذشته است از آن و آنچه بعد از آن

ووسع على من حلال رزقك فاكفنى مؤنة

و وسيع گردان براى من از حلال روزى و روزى خود و دفع كن از من ضرر

انسان سوء وجار سوء وسلطان سوء

آدم بد و همسايه بد و پادشاه بد را

انك على ما تشاء قدير وبكل شىء عليم امين

بدرستيكه تو بر هرچه كه ميخواهى توانائى و بهمه چيز دانائى اجابت كن

رب العالمين ودر بعضى از نسخ مصباح چنين است صل

دعا ما را اى پروردگار عالميان رحمت فرست

على محمد وال محمد وافعل بى ما انت اهله ولا

بر محمد و آل محمد و بكن براى من آنچه تو شايسته اهل آنى و نكن

تفعل بى ما انا اهله وانتقم لى ممن يؤذينى و

براى من آنچه من هم سزاوار آن و انتقام بكش براى من از آن كسيكه اراده كرده

واغفر لى ذنوبى تا آخر دعاء و در مصباح

و بيامرز براى من گناهان مرا

سيد رحمه الله مذكور است كه بعد از دعا اسماء اين دعا بخواند

اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء التى

بار خدايا بحق اين دعا و بحق اين اسماء آنچنانكه

لا يعلم تفسيرها ولا تاويلها ولا باطنها ولا

كه نميدانند تفسير آنرا و نه تاويل آنرا و نه باطن آنرا و نه

ظاهرها غيرك ان تصلى على محمد وال محمد

ظاهر آنرا غير تو آنكه درود فرستى بر محمد و آل محمد

وان ترزقنى خير الدنيا والاخرة ودر حاجت

و آنكه روزى كنى مرا خير دنيا و آخرت

خود را بطلب و بگويد وافعل بى ما انت اهله

و بكن با من آنچه را تو شايسته سزاوار آن

ولا تفعل بي ما انا اهله وانتقم لي من فلان

ومكن با من انچه را من سزاوار انم . وانتقام بكش براي من از فلان

ونام دشمن بگوید واغفر لي من ذنوبي ما تقدم

وبيامرز براي من از گناهان من انچه گذشته است

منها وما تاخر ولوالدي ولجميع المؤمنين

از گناهان وانچه واپس مانده از ان گناه وبراي پدر ومادر واز براي همه مؤمنين

والمؤمنات ووسع علي من حلال رزقك

وزنان مؤمن ووسيع گردان بر من از روزي حلال روزي خود

واكفني مؤنة انسان سوء وجار سوء وسلطان سوء

ودفع كن از من [illegible] آدم بد وهمسايه بد وپادشاه بد

وقرين سوء ويوم سوء وساعة سوء وانتقم

ونزديك بد وروز بد وساعت بد وانتقام بكش

لي ممن يكيدني وممن يبغي علي ويريدني

براي من از كسي كه حيله كند براي من واز كسي كه ستم كند بر من واراده كند بر من

باهلي ومالي واولادي واخواني وجيراني

وباهل من وبمال من واولاد من واخوان من وهمسايگان من

وقراباتي من المؤمنين والمؤمنات ظلما الهي

وخويشان من از مومنان مردان ومومنان زنان ظلم را بكن تو

على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم آمين رب العالمين

بر انچه ميخواهي توانائي وبهر چيز دانائي اجابت كن اي پروردگار عالمان

پس بگوید اللهم بحق هذا الدعاء تفضل

بار خدايا بحق اين دعاء تفضل كن

على فقراء المؤمنين والمؤمنات بالغنى و

بر درويشان مومن وزنان مومنه بي‌پروائي و

الثروة وعلى مرضى المؤمنين والمؤمنات

وتوانگري وبر بيماران مردان مؤمن وزنان مؤمنه

بالشفاء والصحة وعلى احياء المؤمنين و

بشفا وصحت وبر زنده هاي مردان مؤمن

المؤمنات باللطف والكرامة وعلى اموات

زنان مومنه بمهرباني وگرامي داشتن وبر مرده هاي

المؤمنين والمؤمنات بالمغفرة والرحمة و

مردان مؤمن وزنان مؤمنه بآمرزش ورحمت و

على مسافري المؤمنين والمؤمنات بالرد

بر سفر كننده مردان مومن وزنان مومنه بر بازگشت

الى اوطانهم سالمين غانمين برحمتك يا ارحم

بسوي وطنهاي ايشان باسلامتي وغنيمت برحمت خود اي رحم كننده

الرّاحمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد خاتم النّبيين
رحم کنندگان و درود فرستد خدا بر آقای ما محمد که آخر پیغمبران است
وعترته الطّاهرين وسلّم تسليماً كثيراً
و خویشان او که پاکانند و سلام فرستد بر ایشان سلام بسیار
ودر بعضی از کتب بنظر رسید که حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه بعد از دعای سمات این دعا میخواندند

يا عدّتي عند كربتي ويا غياثي عند شدّتي
ای ذخیره من نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد شدت و سختی من
ويا وليّي في نعمتي ويا منجحي في حاجتي ويا
و ای ولی در نعمت من و ای برآورنده حاجت من نزد احتیاج و ای پناه من
مفزعي في ورطتي ويا منقذي من هلكتي
در وقت رسیدن بلیه من و خلاص کننده من از آنچه باعث هلاکت است
ويا كالئي في وحدتي صلّ على محمّد وآل محمّد
ای حفظ کننده من در تنهایی من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
واغفر لي خطيئتي ويسّر لي امري واجمع لي
و بیامرز گناهان من و آسان کن برای من امرها و جمع کن برای من

شملي

شملي وانجح لي طلبتي واصلح لي شأني واكفني
پراکندگی مرا و برآور برای من مطلب مرا و اصلاح کن برای من حال مرا و کفایت کن مرا
ما اهمّني واجعل لي من امري فرجاً ومخرجاً
مهمات مرا و بگردان برای من از امر من گشادگی و بدر رفتن
ولا تفرّق بيني وبين العافية ابداً ما ابقيتني
و جدائی میفکن میان من و میان عافیت همیشه مادامی که باقی داری مرا
وعند وفاتي اذا توفّيتني يا ارحم الرّاحمين
و نزد فوت من وقتی که بمیرانی مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآل محمّد يا ربّ العالمين
و رحمت فرستاد خدا بر آقای ما محمد و آل محمد ای پروردگار عالمیان

کمل

بسم الله الرّحمن الرّحيم

اللّهمّ انّي اسئلك برحمتك الّتي وسعت كلّ
بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا بحق رحمت تو آن رحمتی که فرا گرفته است
شيء وبقوّتك الّتي قهرت بها كلّ شيء وخضع
همه چیز را و بقوت تو آن قوتی که غلبه کرده بآن تو هر چیز را و فروتنی کرده

لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي

مرا توانا هر چیزے و ذلیل و خوار شد مر او را هر چیزے و بزرگی توان بزرگے

غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم

که غالب شده بآن هر چیزے را و بغلبه تو آنچنان غلبه که نمی ایستد

لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء و

از برائے آن چیزے و بعظمت تو آنچنان عظمتے که پر کرده است هر چیزے را و

بسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي

و بسلطنت تو آن سلطنتے که بالا گرفته هر چیز برا و بذات تو که باقیست

بعد فناء كل شيء وبأسمائك التي ملأت أركان

بعد از فناء هر چیزے و بنامهاے تو آنچنان نامهائے که پر کرده ارکانها

كل شيء وبعلمك الذي أحاط بكل شيء

هر چیز برا و بدانائی تو آنچنان دانائی که احاطه کرده است هر چیزے

وبنور وجهك الذي أضاء له كل شيء يا نور

و بنور ذات تو آنچنان نوری که روشن باو هر چیزے ای نور

يا قدوس يا أول الأولين ويا آخر الآخرين

اے منزه و پاکیزه اے اول اولها و ای آخر آخرها

اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم اللهم

بارخدایا بیامرز برائے من گناهان را آنچنان گناهانے را که در پاره میکند عصمتها

اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي

بیامرز برائے من گناهان آنچنانی را که نازل میسازد عقوبتها را بارخدایا بیامرز برائے من

الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب

گناهان را آن گناهان که تغییر میدهد نعمتها را بارخدایا بیامرز مرا گناهان

التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي

آنچنانکه حبس میکند دعا را بارخدایا بیامرز برائے من گناه آنچنانی

تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب

که میفرستد بلا را بارخدایا بیامرز برائے من هر گناهے

أذنبته وكل خطيئة أخطأتها اللهم إني

که کرده ام و هر خطائی را که کرده ام آنرا بارخدایا بدرستیکه من

أتقرب إليك بذكرك وأستشفع بك إلى

نزدیکی میجویم بسوے تو بیاد کردن تو و طلب شفاعت میکنم بتو بسوے تو

نفسك وأسألك بجودك أن تدنيني من قربك

بسوے تو و سؤال میکنم ترا بخشش تو اینکه نزدیک گردانی مرا بنزدیکی خود

وأن توزعني شكرك وأن تلهمني ذكرك

و اینکه بیاموزی مرا ستایش کردن ترا و اینکه الهام کنی مرا یاد کردن ترا

اللهم إني أسألك سؤال خاضع متذلل

بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا سؤال فروتنی کننده ذلیل

خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك
ترسناك اینکه سهل انکاری کنی با من وببارزخم مرا وبکردانی مرا بقسمت خود
راضيا قانعا وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم
راضی وقانع ودر همه حالها تواضع کننده بارخدایا
واسئلك سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك
سوال میکنم تورا سوال کردن کسی که بنهایت رسیده باشد احتیاج او وعرض کند بتو
عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته
نزد سختیها حاجت خودرا وبزرک باشد درانچه نزد تواست رغبت او
اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي
بارخدایا بزرکست تسلط وپادشاهی تو وبلندست مکان تو وپنهانست
مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك
مکر تو وظاهرست کار تو وغالبست قهر تو وجاریست قدرت تو
ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد
وممکن نیست فرار از حکومت تو بارخدایا نمی یابم
لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء
ازبرای کناهان خود امرزنده ونه برای کارهای خود پوشنده ونه ازبرای چیزی
من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله
از عمل قبیح من بنیکوئی بدل کننده غیر تو نیست خدای

الا انت

الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت
مکر تو منزه وپاکیزه تو وبشکر توام ظلم کرده ام نفس خودرا وجرأت کرده ام
بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم
بجهل خود واعتماد کرده ام برای انکه پوشیده یاد کردی مرا وانعام کردی برمن
مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح من
ای مولای من بسیار کار قبیح که پوشانیده او را وچه بسیار کران از
البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه
بلا که زایل کردی او را وچه بسیار از لغزشها که نکاه داشتی مرا ازان وچه بسیار مکروه
دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له
که دفع کردی او را وچه بسیار از ثنای نیکو که نبودم سزاوار ان
نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء
پهن کردی او را بارخدایا بزرک شد بلای من واز حد کذشته بدی
حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي
حال من ونارساست کارهای من وعاجز کردست مرا غلهای من
وحبسني عن نفعي بعد امالي وخدعتني
ومنع کرده است مرا از نفع من اروز وهای دور من وبازی داد مرا
الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي
دنیا بغرور خود وفریب داده است مرا نفس من بخیانت خود وبد عملی

يا سيدي فأسألك بعزتك أن لا يحجب عنك
اے آقاے من پس سوال میکنم ترا بعزت تو که منع نکند از تو
دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي
دعاے مرا بدے عمل من وکردار من و رسوا مکن مرا به پنهان
ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني
آنچه مطلع شده بران از راز من و زود مکن مرا
بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء
عقوبت بر آنچه کرده ام آنرا در تنهاے خود از بدے
فعلي وإساءتي ودوام تفريطي وجهالتي
کار خود و گناه خود و دایم بودن تقصیر خود و نادانی خود
وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك
و بسیاری خواهش خود و غفلت خود و باش خداوندا بعزت خود
لي في الأحوال كلها رؤفا وعلي في جميع
براے من در همه احوال رحم کننده و بر من در همه امور
الأمور عطوفا إلهي وربي من لي غيرك
امور مهربان اے خداوند من و پروردگار من کیست مرا غیر تو
أسأله كشف ضري والنظر في أمري إلهي
که از او سوال کنم کشودن بد حالی خود را و نظر کردن در کار من اے خداوند من

عطوفا

ومولاي أجريت علي حكما اتبعت فيه هوى
اے مولاے من جاری کردی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش
نفسي ولم أحترس فيه من تزيين عدوي
نفس خود را و نگاه داری نکردم در آن حکم از زینت دادن دشمن من
فغرني بما أهوى وأسعده على ذلك القضاء
پس فریب داد مرا بآنچه خواست و یاری کرد بر این امر قضاے خدا
فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض
پس تجاوز کردم و گذشتم بآنچه جاری شد بر من از این امر بعضی از
حدودك وخالفت بعض أوامرك فلك الحمد
حدهاے تو و مخالفت کردم بعضی امرهاے ترا پس تراست حمد
علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى
بر من در جمیع این احوال و نیست حجتی براے من در آنچه جاری کرد
علي فيه قضاؤك وألزمني حكمك وبلاؤك
بر من در آن قضاے تو و لازم گردانید بر من حکم تو و امتحان تو
وقد أتيتك يا إلهي بعد تقصيري وإسرافي
و بتحقیق که آمده ام بنزد تو اے خداوند من بعد از تقصیر خود و بسیار اسراف
على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا
بر نفس خود عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو

تقصيري

مستغفراً منیباً مقراً مذعناً معترفاً لا اجد
طلب کننده آمرزش توبه کنند اقرار کننده مکار تصدیق کننده بان اعتراف کننده

مفراً مما کان منی ولا مفزعاً اتوجه الیه
نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شد از من و نه پناهی که متوجه شوم بسوی او

فی امری غیر قبولک عذری وادخالک
در کار خود غیر قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو

ایای فی سعة من رحمتک اللهم فاقبل
مرا در وسعت گشادگی از رحمت خود بار خدایا پس قبول کن

عذری وارحم شدة ضری وفکنی من
عذر مرا و رحم کن شدت بد حالی مرا و رها کن مرا از

شد وثاقی یا رب ارحم ضعف بدنی ورقة
سختی بند گاه من ای پروردگار من رحم کن ضعف بدن مرا و تنکی پوست مرا

جلدی ودقة عظمی یا من بدأ خلقی وذکری
پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای آنکه ابتدا کرده آفریدن مرا و یاد کردن مرا

وتربیتی وبری وتغذیتی هبنی لابتداء
و تربیت کردن مرا و نیکی و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن

کرمک وسالف برک بی یا الهی وسیدی
کرم خود و برای نیکیهای پیش خود ای خدای من و آقای من

وربی اتراک معذبی بنارک بعد توحیدک و
و پروردگار من آیا می بینی که عذاب کننده مرا به آتش خود بعد از اقرار من به یگانگی خود

بعد ما انطوی علیه قلبی من معرفتک ولهج
بعد از آنچه پیچیده شده است بر او دل من از معرفت تو و گویا است

به لسانی من ذکرک واعتقده ضمیری من حبک
بان زبان من از یاد تو و محکم کرده است آن را دل من از محبت

وبعد صدق اعترافی ودعائی خاضعاً لربوبیتک
و بعد از راستی اعتراف من و دعا کردن من از روی خضوع

هیهات انت اکرم من ان تضیع من ربیته او
دور است این سخن تو کریم تر از آنکه ضایع گردانی کسی را که تربیت کرده اول

تبعد من ادنیته او تشرد من آویته او تسلم
یا دور کنی کسی را که نزدیک کرده ای او را یا برانی کسی را یا بگذاری به بلا

الی البلاء من کفیته ورحمته ولیت شعری
بلا کسی را که دفع شر از او کرده و رحم کرده او را و کاش میدانستم

یا سیدی والهی ومولای اتسلط النار علی
ای آقای من و خداوند من و مولای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر

وجوه خرت لعظمتک ساجدة وعلی السن نطقت
روهایی که بخاک افتاده اند نزد عظمت تو سجده کنان و بر زبانهایی که گویا شده اند

بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَعَلَى قُلُوبٍ
بیکانکی تورا ... ست کویان وبشکر تو مدح کویان وبر دلهائی

اِعْتَرَفَتْ بِالٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلَى ضَمَائِرَ حَوَتْ
که اعتراف کرده اند بخدائی تو از روی یقین و بر خاطرها که احاطه کرده است

مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحَ
از دانائی تو تا آنکه کردیده اند با خشوع و بر عضوهائی

سَعَتْ اِلَى اَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَاَشَارَتْ
که سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت و اشاره کرده اند

بِاِسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً مَا هٰكَذَا الظَّنُّ بِكَ
بطلب آمرزش تو از روی اذعان نیست چنین کمان ما بتو

وَلَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَاَنْتَ
و نداده اند خبر ما را بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار من و تو

تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا
میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاها ی دنیا و عقوبتهای آن

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى اَهْلِهَا عَلَى
و آنچه جاری میشود در آن از مکاره بر اهل دنیا با آنکه

اَنَّ ذٰلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ
بدرستیکه این بلائی و نا خوشی است که اندک است ماندن آن کمست بقای آن

قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ
و کوتاهست مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من بلاهای آخرت را و بزرگست

وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ
واقع شدن ناخوشیها که در آنجا است و آن بلائیست طولانی مدت او

وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ لِاَنَّهُ
و دایم است اقامت آن و سبک نمیشود از اهل آن زیرا

لَا يَكُونُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَاِنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ
که آن نمیباشد مکر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو

وَهٰذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ يَا سَيِّدِي
و چنین او را نمیتوانند و در برابر آن ایستادن و تاب آن آوردن آسمانها و زمین ای آقای من

فَكَيْفَ بِي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ
پس چگونه من تاب آورم و حال آنکه من بنده توام ناتوان و خوار و بیمقدار و

الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا اِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي
تنگدست شکسته ای خدای من و پروردگار من و سید من

وَمَوْلَايَ لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا
و آقای من از برای کدام امور بسوی تو شکوه کنم و برای کدام یک

اَضِجُّ وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ اَمْ لِطُولِ
بجزع و ستم و کریه کنم از برای دردناکی عذاب و سختی آن یا از برای درازی

البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك
بلا ومدت ان پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود
وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني
وجمع کنی میان من ومیان اهل بلای من وجدا افکنی میان من
وبين احبائك واوليائك فهبني يا الهي و
ومیان دوستان خود واولیای خود پس گوئیم ای خدای من
سيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك
وسید من وآقای من وپروردگار من صبر کردم من بر عذاب تو
فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على
پس چگونه صبر کنم بر جدائی تو وگرفتم که صبر کردم بر
حر نارك فكيف اصبر عن النظر الى كرامتك ام
گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم از نظر بسوی کرامی داشتن تو یا
كيف اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك
چگونه ساکن شوم در آتش وحال آنکه امید من این بود که عفو تو
يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني
ای آقای من وصاحب اختیار من قسم میخورم براستی که اگر واگذاری مرا
ناطقا لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الآملين و
سخن گو هر اینه ناله کنم بسوی تو میان اهل جهنم ناله وخروش امید

ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين
وهر اینه فریاد کنم فریاد کردنی بسوی تو فریاد فریاد کنندگان وهر اینه گریه کنم بر تو
عليك بكاء الفاقدين ولاناديك اين كنت
گریه کسانی که گم کرده اند دوست خود را ندا کنم کجائی ای دوست
يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث
ای دوست مومنان ای نهایت آرزوی عارفان ای فریادرس
المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله
فریادخواهان ای دوست دلهای راستگویان وای خدای
العالمين افتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع
عالمیان آیا پس میبینم ترا ای خدای من بحمد تو مشغول که بشنوی
فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته و
در جهنم صدای بنده مسلمانی که در زندان کرده باشند در آن بسبب مخالفت او
ذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها
وچشیده اند طعم عذاب آنرا بنافرمانی خود و بند کرده باشند در میان طبقات جهنم
بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل
بجرم وجنایت او واو خروش کند بسوی تو خروش کسی که امید دارد
لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك
رحمت تو باشد وندا کند ترا بزبان اهل یگانه پرستان تو

وتتوسل إليك بربوبيتك يا مولاي فكيف
و توسل جوید بسوی تو بپروردگاری تو ای مولای من پس چگونه
يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك
باقی ماند در عذاب و او امید وارد آنچه را پیش دیده از حلم تو
ورأفتك ورحمتك أم كيف تؤلمه النار وهو
و مهربانی تو و رحم تو آیا چگونه او را بدرد آورد آتش و او
يأمل فضلك ورحمتك أم كيف يحرقه لهيبها
امید دارد فضل تو را و رحمت تو را یا چگونه سوزد او را زبانه آتش
وأنت تسمع صوته وترى مكانه أم كيف
و تو بشنوی صدای او را و ببینی جای او را یا چه گونه
يشتمل عليه زفيرها وأنت تعلم ضعفه أم
مشتمل شود بر او زبانهای صاحب صدای و تو میدانی ناتوانی او را یا
كيف يتقلقل بين أطباقها وأنت تعلم صدقه
چگونه مضطرب باشد در میان طبقات آن و تو میدانی راستگوئی او را
أم كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه
یا چگونه زجر نمایند او را زبانه جهنم و او فریاد کند تو را ای پروردگارش
أم كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه
یا چه گونه زجر کند با امید و فضل تو را در آزاد کردن او از جهنم پس گذاری او را

فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف
در جهنم دور است این حال چنین گمان بتو نیست و نیست شناخته شده
من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين
از فضل تو و نه شبیه است بآنچه معامله کرده بان با یگانه پرستان
من برك وإحسانك فباليقين أقطع لولا ما
از نیکی تو و احسان تو پس بیقین جزم دارد که اگر نه آن بود
حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت
که حکم کرده بان از عذاب کردن منکرین خداوندی خود و مقرر کردی
به من إخلاد معانديك لجعلت النار كلها
بان که همیشه در جهنم بمانند معاندان خود را هر آینه میکردی آتش را همه او را
برداً وسلاماً وما كان لأحد فيها مقراً
سرد و سلامت و نبود احدی را در آن قرارگاهی
ولا مقاماً لكنك تقدست أسماؤك أقسمت
و نه جای اقامتی و لیکن تو مقدس است نامهای تو قسم یاد کرده
أن تملأها من الكافرين من الجنة والناس
آنکه پر کنی آن را از کافران از جنیان و مردمان
أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين وأنت جل
همه و آنکه همیشه بداری در آن جهنم از معاندان را و تو که بزرگست

ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متكرما

ستایش تو گفته در حالی که ابتدا کننده و بخشش کرده نعمت را کرمکننده

افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون

که آیا کسی که بود مؤمن مثل کسی است که بود فاسق مساوی نیستند

الهی وسیدی فأسئلك بالقدرة التي قدرتها

ای خدای من و آقای من پس سوال میکنم ترا بقدرتی که مقدر کرده او را

وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من

و بحکمی که حتم کرده او را و حکم کرده بران و غالب شده بر

عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة

بر کسی که ان حکم را بران جاری کرده انکه بخشی بمن درین شب

وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل

و درین ساعت هر چیز جرمی که کسب کرده ام او را و هر

ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل

گناهی که مرتکب ان شده ام و هر کار بدی که پنهان کرده ام او را و هر نادانی

عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته

که کرده ام مخفی او را یا اشکار کرده ام یا مخفی کرده ام و خواه هویدا

وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين

و هر بدی که امر کرده بنوشتن انها بزرگواران نویسنده را

الذين

الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم

که موکل کرده او را که حفظ کنند انچه صادر شود از من و گردانیدی ایشانرا

شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب

گواه بر من با اعضای بدن من و بودی تو مطلع

علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم و

بر من بعد ایشان و گواه بر انچه پنهانست از ایشان

برحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان توفر

و برحمت خود پنهان کردی او را و بفضل خود پوشانیدی او را و انکه فراوان کنی

حظي من كل خير تنزله او احسان تفضله

بهره مرا از هر نیکی که فرو فرستی او را یا احسانی که تفضل نمائی

او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره

یا خوبی که پهن کنی او را یا روزی که گشایش دهی او را یا گناهی که بیامرزی او را

او خطاء تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي

یا خطائی که بپوشانی او را ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من

وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من

وعالیک

و آقای من و مولای من و مالک بندگی من ای کسی

بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا

که بدست اوست موی پیش سر من ای دانای به بدحالی من و بیچارگی من ای مطلع

بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ
بر فقر من واحتیاج من ای پروردکار من ای پروردکار من ای پروردکار من سوال میکنم تو را
بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ
بحق تو وپاکی تو وبزرکترین صفات تو ونامهای تو
أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ
اینکه بکردانی اوقات مرا در شب وروز بیاد خود
مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ
آبادان وبخدمت تو پیوند شده واعمال مرا نزد خود
مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا
وپسندیده تا آنکه بوده باشد کارهای من وورد‌های من همه
وِرْدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا
یک ورد وحال من در خدمت تو پیوسته ای
سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكَوْتُ
ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه کردم بسوی او شکایت
أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ
احوال خود ای پروردکار من ای پروردکار من ای پروردکار من توانا کردان بر خدمت خود
جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَ
اعضا مرا وسخت کن بر عزم بند کی خود اعضای مرا

هَبْ لِيَ الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالدَّوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ
وبخش مرا جد در ترس خود ومداومت در متصل بودن
فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْمُبَادِرِينَ
در میدان پیشروان وشتاب کنم بسوی تو در پیش کیرندکان
وَأَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ وَأَدْنُوَ مِنْكَ
ومشتاق کردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان ونزدیک شوم بتو
دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَأَجْتَمِعَ
نزدیک شدن مخلصان وبترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین وکرد آیم
فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي
در همسایکی تو با مومنین خداوندا وهرکه اراده کند مرا
بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي
ببدی پس اراده کن تو او را وهرکه مکر کند مرا تو بر کردان وبکردان مرا
مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ
از نیکوکاران بندکان تو وبهره نزد تو ونزدیکترین ایشان
مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا
در منزلت نسبت بتو ومخصوص ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که نمیتوان
عَطْف
يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَا
رسید باین رتبه مکر بفضل تو وبخشش کن برای من بجود تو ومهربانی کن

عَلىٰ مَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي
و من بر بزرگواری خود و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا

بِذِكْرِكَ لَهِجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ
بذکر خود گویا و دل مرا بحب خود بیتاب و منت نه بنیکوی

اِجَابَتِكَ وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ لِي زَلَّتِي فَاِنَّكَ
اجابت خود و در گذر از لغزش من و بیامرز برای من گناه مرا بدرستیکه

قَضَيْتَ عَلىٰ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ
که تو حکم کرده بر بندگان خود بعبادت خود و امر کرده ایشان را بدعای خود

وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ فَاِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَ
و ضامن شده برای ایشان اجابت را پس بسوی تو ای پروردگار من باز داشتم

جْهِي اِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي
روی خود را بسوی تو پروردگارا کشیدم دست خود را بعزت خود که مستجاب کن

دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ
دعای مرا و برسان مرا بآرزوی خود و قطع مکن از فضل خود

رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدَائِي يَا
امید مرا و کفایت کن مرا بدی جن و آدمی را از دشمنان من ای

سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَاءَ
زود خشنود شونده بیامرز کسی را که از دست او نمی آید کار بجز دعا کردن

و

وَاكْفِنِي شَرَّ

فانك

فَاِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ
پس بدرستیکه تو کننده آنچه را خواهی ای آنکه نام او دوا است دردها و یاد او

شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنًى اِرْحَمْ مَنْ رَاْسُ مَالِهِ
شفای بیمار و فرمان برداری او سبب توانگری است رحم کن آنکسی را سرمایه اش

الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ
امید است و حربه اش گریه است ای تمام نعمت کامل ای دفع کننده

النِّقَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا
عذابها ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی

لَا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي
که نیاموخته از کسی درود فرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن

مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ رَسُولِهِ وَالْاَئِمَّةِ
آنچه توئی سزاوار آن و درود فرستاد خدا بر پیغمبر خود و پیشوایان

الْمَيَامِينِ مِنْ اٰلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا
صاحب میمنت که از آل او بند و سلام فرستاد سلام فراوان

چون ماه نو بیند بالاسماء طاهر نظر نماید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

محمد علی فاطمه حسن حسین

علی محمد جعفر موسی علی

محمد علی حسن مهدی

علیهم الصلوة والسلام

وبعد از آن سوره مبارکه توحید را نظر نمایند

بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله احد الله الصمد لم یلد

ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

وبعد از ملاحظه اسماء باید اینید عا را بخوانند

اللهم ان الناس اذا نظروا الی الهلال نظر بعضهم

الی وجوه بعض وتبرک بعضهم ببعض و

انی نظرت الی اسمائک واسم نبیک وولیک

واولیائک علیهم السلام والی کتابک

فاعطنی کل الذی احب من الخیر واصرف

عنی کل ما احب ان تصرفه عنی من الشر ودنی

من فضلک ما انت اهله ولا حول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم

جهة رفع همّ و غمّ و غلبه بر اعادی بخوانند

اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ هَمّی وَاكْشِفْ غَمّی وَاَهْلِكْ
عَدُوّی بِغالِبِ قُدْرَتِكَ يا قَوِیُّ يا عَزيزُ
يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا قادِرُ يا مُقْتَدِرُ
يا عَزيزُ الْغالِبُ عَلیٰ اَمْرِهِ يا وَدُودُ

ایضاً ابن عقیل از امام [illegible] روایت [illegible] هلال ماه مبارک [illegible] واجب است [illegible]

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی خَلَقَنی وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنازِلَكَ
وَجَعَلَكَ مَواقيتَ لِلنّاسِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ
عَلَيْنا اِهْلالاً مُبارَكاً اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ

عَلَيْنا بِالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ وَالْيَقينِ
وَالْاِيمانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْویٰ وَالتَّوْفيقِ لِما
تُحِبُّ وَتَرْضیٰ [illegible] هلال [illegible]
[illegible] اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ خَيْرَ
هٰذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ
وَطَهُورَهُ وَرِزْقَهُ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ ما فيهِ
وَخَيْرَ ما بَعْدَهُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما فيهِ
وَشَرِّ ما بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْاَمْنِ
وَالْاِيمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ وَالْبَرَكَةِ

وَالتَّقوىٰ وَالتَّوفِيقُ لِمَا تُحِبُّ وَتَرضىٰ

دعای ایام هفته من صحیفه کامله دعای یوم احد یعنی روز یکشنبه

بِسمِ اللّٰهِ الَّذِی لَا اَرجُوا اِلَّا فَضلَهُ وَلَا
اَخشىٰ اِلَّا عَدلَهُ وَلَا اَعتَمِدُ اِلَّا قَولَهُ وَلَا
اَمسِكُ اِلَّا بِحَبلِهِ بِكَ اَستَجِيرُ یَا ذَا العَفوِ
وَالرِّضوَانِ مِنَ الظُّلمِ وَالعُدوَانِ وَ
مِن غِیَرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الاَحزَانِ وَ
طَوَارِقِ الحَدَثَانِ وَمِنِ انقِضَاءِ المُدَّةِ
قَبلَ التَّاَهُّبِ وَالعُدَّةِ وَاِیَّاكَ اَستَرشِدُ
لِمَا فِیهِ الصَّلَاحُ وَالاِصلَاحُ وَبِكَ اَستَعِینُ
فِیمَا یَقتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَالاِنجَاحُ وَ
اِیَّاكَ اَرغَبُ فِی لِبَاسِ العَافِیَةِ وَتَمَامِهَا
وَشُمُولِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا وَاَعُوذُ
بِكَ یَا رَبِّ مِن هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ وَ
اَحتَرِزُ بِسُلطَانِكَ مِن جَورِ السَّلَاطِینِ
فَتَقَبَّل مَا كَانَ مِن صَلَاتِی وَصَومِی
وَاجعَل غَدِی وَمَا بَعدَهُ اَفضَلَ مِن
سَاعَتِی وَیَومِی وَاَعِزَّنِی فِی عَشِیرَتِی وَ

قومي واحفظني في يقظتي ونومي فانت
الله خير حافظا وانت ارحم الراحمين
اللهم اني ابرء اليك في يومي هذا
وما بعده من الآحاد من الشرك والالحاد
واخلص لك دعائي تعرضا للاجابة و
اقيم على طاعتك رجاء للاثابة فصل
على محمد واله خير خلقك الداعي
الى حقك واعزني بعزك الذي لا
يضام واحفظني بعينك التي لا تنام

وا

واختم بالانقطاع اليك امري وبالمغفرة
عمري انك انت الغفور الرحيم

دعاء روز دوشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لم يشهد احدا حين فطر
الارض والسموات ولا اتخذ من دونه
معينا حين برء النسمات لم يشارك في
الهيته ولم يظاهر في الوحدانية كلت
الالسن عن غاية صفته وانحسرت العقول

عن كنه معرفته وتواضعت الجبابرة لهيبته
وعنت الوجوه لخشيته وانقاد كل عظيم
لعظمته فلك الحمد متواترا متسقا ومتواليا
مستوسقا وصلواته على رسوله ابدا و
سلامه دائما سرمدا اللهم اجعل اول
يومي هذا صلاحا واوسطه فلاحا
واخره نجاحا واعوذ بك من يوم اوله
فزع واوسطه جزع واخره وجع اللهم
اني استغفرك لكل نذر نذرته ولكل

وعد وعدته ولكل عهد عاهدته ثم لم اف
به واسئلك في مظالم عبادك عندي فايما
عبد من عبيدك او امة من امائك كانت
له قبلي مظلمة ظلمتها اياه في نفسه او في
عرضه او في ماله او في اهله وولده
او غيبة اغتبته بها او تحامل عليه
بميل او هوى او انفة او حمية او رياء
او عصبية غائبا كان او شاهدا وحيا
كان او ميتا فقصرت يدي وضاق

وتسعى عن ردها اليه والتحلل منه عملا لك
يا من يملك الحاجات وهى مستجيبة لمشيته
ومسرعة الى ارادته ان تصلى على محمد
وال محمد وان ترضيه عنى بما شئت
وهب لى عندك رحمة انه لا تنقصك
المغفرة ولا تضرك الموهبة يا ارحم الراحمين
اللهم اولنى فى كل يوم اثنين نعمتين
منك ثنتين سعادة فى اوله بطاعتك
ونعمة فى اخره بمغفرتك يا من هو الاله ولا

يغفر

يغفر الذنوب دعاء روز شنبه سواه
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله والحمد حقه كما يستحقه حمدا كثيرا
واعوذ به من شر نفسى ان النفس لامارة
بالسوء الا ما رحم ربى واعوذ به من
شر الشيطان الذى يزيدنى ذنبا
الى ذنبى واحترز به من كل جبار فاجر
وسلطان جائر وعدو قاهر اللهم اجعلنى
من جندك فان جندك هم الغالبون واجعلنى من حزبك

فان حزبك هم المفلحون واجعلني من اوليائك فان اوليائك
لا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم
اصلح لي ديني فانه عصمة امري واصلح
لي آخرتي فانها دار مقري والبها
من مجاورة اللئام مفري واجعل الحيوة
زيادة لي في كل خير والوفاة راحة
لي من كل شر اللهم صل على محمد خاتم
النبيين وتمام عدة المرسلين وعلى
آله الطيبين الطاهرين واصحابه المنتجبين و

في الثلثاء ثلثا لا تدع لي ذنبا الا غفرته
ولا غما الا اذهبته ولا عدوا الا دفعته
بسم الله خير الاسماء وبسم الله رب الارض
والسماء استدفع كل مكروه اوله سخطه
واستجلب كل محبوب اوله رضاه فاختم
لي منك بالغفران يا ولي الاحسان

دعاء يوم الاربعاء يعني روز چهارشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل الليل لباسا والنوم

سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا لَكَ الْحَمْدُ اَنْ بَعَثْتَنِي
مِنْ مَرْقَدِي وَلَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَدًا
حَمْدًا دَائِمًا لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا وَلَا يُحْصِي لَهُ
الْخَلَائِقُ عَدَدًا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْ خَلَقْتَ
فَسَوَّيْتَ وَقَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ وَاَمَتَّ وَاَحْيَيْتَ
وَاَمْرَضْتَ وَشَفَيْتَ وَعَافَيْتَ وَاَبْلَيْتَ
وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ وَعَلَى الْمُلْكِ احْتَوَيْتَ
اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ ضَعُفَتْ وَسِيلَتُهُ وَ
انْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ وَاقْتَرَبَ اَجَلُهُ وَتَدَانَى

فِي الدُّنْيَا اَمَلُهُ وَاشْتَدَّتْ اِلَى رَحْمَتِكَ
فَاقَتُهُ وَعَظُمَتْ لِتَفْرِيطِهِ حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ
زَلَّتُهُ وَعَثْرَتُهُ وَخَلُصَتْ لِوَجْهِكَ تَوْبَتُهُ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى اَهْلِ
بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَارْزُقْنِي شَفَاعَةَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي
صُحْبَتَهُ اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
اقْضِ لِي فِي الْاَرْبِعَاءِ اَرْبَعًا اِجْعَلْ
قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ

ورغبتني في ثوابك وزهدني فيما يوجب
لي اليم عقابك انك لطيف لما تشاء

دعاء يوم الخميس يعني روز پنجشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اذهب الليل مظلما بقدرته
وجاء بالنهار مبصرا برحمته وكساني
ضياءه وانا في نعمته اللهم فكما ابقيتني
له فابقني لامثاله وصل على النبي محمد
واله ولا تفجعني فيه وفي غيره من الليالي

والايام بارتكاب المحارم واكتساب المآثم وارزقني خيره
وخير ما فيه وخير ما بعده واصرف عني شره وشر ما فيه
وشر ما بعده اللهم اني بذمة الاسلام
اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك
وبمحمد المصطفى صلى الله عليه واله استشفع
لديك فاعرف اللهم ذمتي التي رجوت
بها قضاء حاجتي يا ارحم الراحمين اللهم
اقض لي في الخميس خمسا لا يتسع لها الا
كرمك ولا تطيقها الا نعمك سلامة اقوى

اقوى بها على طاعتك وعبادته استحق
بها جزيل مثوبتك وسعة في الحال
من الرزق الحلال وان تؤمنني في مواقف
الخوف بامنك وتجعلني من طوارق الهموم
والغموم في حصنك فصل على محمد واله
واجعل توسلي به شافعا يوم القيمة
نافعا انك انت ارحم الراحمين دعاء روز جمعه
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الاول قبل الانشاء والاحيا

والاخر

والاخر بعد فناء الاشياء العليم الذي لا
ينسى من ذكره ولا ينقص من شكره ولا
يخيب من دعاه ولا يقطع رجاء من رجاه
اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا
واشهد جميع ملائكتك وسكان سمواتك
وحملة عرشك ومن بعثت من انبيائك
ورسلك وانشات من اصناف خلقك
اني اشهد انك انت الله لا اله الا انت
وحدك لا شريك لك ولا عديل ولا

خلف لقولك ولا تبديل وان محمدا صلى الله
عليه وآله عبدك ورسولك ادى ما
حملته الى العباد وجاهد في الله عز و
جل حق الجهاد وانه بشر بما هو حق من
الثواب وانذر بما هو صدق من العقاب
اللهم ثبتني على دينك ما احييتني ولا
تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك
رحمة انك انت الوهاب وصل على محمد
وآله واجعلني من اتباعه وشيعته و

احرز

واحشرني في زمرته ووفقني لاداء فرض
الجمعات وما اوجبت علي فيها من الطاعات
وقسمت لاهلها من العطاء في يوم الجزاء
انك انت العزيز الحكيم

دعاء يوم السبت يعني روز شنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله كلمة المعتصمين ومقالة المتحرزين
واعوذ بالله تعالى من جور الجائرين
وكيد الحاسدين وبغي الظالمين
واحمده فوق حمد الحامدين اللهم انت

الواحد بلا شريك والملك بلا تمليك لا
تضادّ في حكمك ولا تنازع في ملكك
اسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد عبدك
ورسولك وان توزعني من شكر نعماك
ما تبلغ بي غاية رضاك وان تعينني على
طاعتك ولزوم عبادتك واستحقاق
مثوبتك بلطف عنايتك وترحمني بصدّي
عن معاصيك ما احييتني وتوفقني لما
ينفعني ما ابقيتني وان تشرح بكتابك صدري

وتحطّ بتلاوته وزري وتمنحني السلامة
في ديني ونفسي ولا توحش بي اهل انسي
وتتمّ احسانك فيما بقي من عمري كما احسنت
فيما مضى منه يا ارحم الراحمين وصلّى الله
على خير خلقه محمّد وآله الطاهرين

دعا که اصبحت امسیت بگوید

بسم الله الرحمن الرحيم
اصبحت اللهمّ معتصمًا بذمامك المنيع الذي لا يطاول
ولا يحاول من شرّ كلّ غاشم وطارق من سائر من خلقت
وما خلقت من خلقك الصامت والناطق في جنّة من كلّ

این دعا ایست که حضرت امیر المؤمنین
خواند در شبی که در فراش حضرت رسول
خوابید هر که این دعا را [illegible]
در صبح و شام بخواند از خوف
حق تعالی او را حفظ
و نگاه داشته باشد
والسلام

محفوف بلباس نعمتك حصينة ولآل اهل بيت نبيك صلى الله
عليه وعليهم السلام محتجبا من كل قاصد لي الى اذية
بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك
بحبلهم موقنا ان الحق لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالي
من والوا واعادي من عادوا واجانب من جانبوا
فصل على محمد وال محمد واعذني اللهم بهم من شر كل
ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع
السموات والارض انا جعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون تعقيبات كل نمازهاء فريضه بايد بخواند

لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون لا اله
الا الله لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره
المشركون لا اله الا الله ربنا ورب آبائنا الاولين لا اله
الا الله وحده وحده وحده صدق وعده ونصر عبده واعز
جنده وهزم الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد يحيي ويميت
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير تسبيح فاطمه
زهرا عليها السلام بگويد اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا پس
سه مرتبه بگويد استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

ذوا الجلال والاكرام واتوب اليه پس بگويد يا من
لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يغلطه السائلون
ولا يبرمه الحاح الملحين اذقني برد عفوك ورحمتك
ومغفرتك
اللهم ان هذه صلاتي صليتها لا لحاجة منك اليها
ولا رغبة منك فيها الا تعظيما وطاعة واجابة لك
الى ما امرتني به الهي ان كان فيها نقص او خلل من ركوعها
او سجودها فلا تؤاخذني وتفضل علي بالقبول
والغفران برحمتك تعقيب نماز صبح يا ارحم الراحمين

از امير المؤمنين عليه السلام منقولست كه هر كس اين دعا را در عقب نماز فريضه بخواند گناهان او آمرزيده شود اگر چه مثل ستارگان و قطرات باران و ريگ بيابان باشد والله

بسم الله وبالله وصلى الله على محمد واله وافوض امري
الى الله ان الله بصير بالعباد فوقيه الله سيئات ما مكروا
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا
له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين حسبنا الله
ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم
سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله
لا ما شاء الناس ما شاء الله ولو كره الناس حسبي
الرب من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين حسبي
الرازق من المرزوقين حسبي الذي رب العالمين

حسبی من هو حسبی حسبی من لم یزل حسبی حسبی
من کان منذ کنت حسبی لم یزل حسبی حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

اللهم انی اسئلک من کل خیر احاط به علمک واعوذ بک
من کل شر احاط به علمک اللهم انی اسئلک عافیتک
فی اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب
الآخرة
اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطاهر الطهر

المبارک واسئلک باسمک العظیم وسلطانک القدیم
ان تصلی علی محمد وآل محمد یا واهب العطایا یا مطلق
الاساری یا فکاک الرقاب من النار اسئلک ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تعتق رقبتی من النار وان تخرجنی
من الدنیا سالما وتدخلنی الجنة آمنا وان تجعل دعائی
اوله فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحا انک انت
علام الغیوب اجیر نفسی ومالی وولدی
واهلی وداری وکل ما هو منی بالله الواحد الاحد
الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

واجر نفسي ومالي وولدي واهلي وداري وكل
ما هو مني برب الفلق من شر ما خلق ومن شر
غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر
حاسد اذا حسد واجر نفسي ومالي وولدي واهلي
وداري وكل ما هو مني برب الناس ملك الناس
اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس
في صدور الناس من الجنة والناس
شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة واولوا العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم قل اللهم

مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك
ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير
انك على كل شيء قدير هو الذي انزل عليك الكتاب
منه آيات محكمات هن ام الكتاب واخر متشابهات
فاما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه
منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تأويله وما يعلم تأويله
الا الله والراسخون في العلم يقولون آمنا به كل
من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر

اللهم اعتقني من النار وادخلني الجنة وزوجني
الحور العين پس بخواند بعد رضيت بالله ربا وبمحمد نبيا
وبالاسلام دينا وبالقرآن كتابا وبعلي اماما وبالحسن
والحسين وعلي ابن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى ابن جعفر وعلي ابن موسى ومحمد بن علي
وعلي ابن محمد وحسن ابن علي والحجة ابن الحسن
عليهم السلام ائمة اللهم وليك الحجة فاحفظه
من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله
ومن فوقه ومن تحته وامدد له في عمره واجعله

القائم

القائم بامرك المنتظر لدينك وارني ما يحب وتقر به عينه
في نفسه وذريته واهله وماله وفي شيعته
وفي عدوه وارهم منه ما يحذرون وارني فيهم
ما يحب وتقر به عينه واشف به صدورنا وصدور
قوم مؤمنين هر روز صبح بخواند بسم الله الرحمن الرحيم اینجا ابعد
اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان اينما كان وحيثما
كان من مشارق الارض ومغاربها سهلها وجبلها
عني وعن والدي وعن ولدي واخواني التحية و
السلام عدد خلق الله وزنة عرش الله ما احصاه كتابه

واحاط به علمه اللهم انی اجدد له فی صبیحة هذا
الیوم وما عشت فیه من ایام حیوتی عهدا و
عقدا وبیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول
اللهم اجعلنی من انصاره ونصاره الذابین عنه والممتثلین
لاوامره ونواهیه فی ایامه والمستشهدین بین یدیه
اللهم فان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته
علی عبادک حتما مقضیا فاخرجنی من قبری موتزرا
کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی
فی الحاضر والباد اللهم ارنی الطلعة الرشیدة والغرة

الحمیده

الحمیدة واکحل بصری بنظرة منی الیه وعجل فرجه
وسهل مخرجه اللهم اشدد ازره وقو ظهره
وطول عمره واعمر اللهم به بلادک واحی به عبادک
فانک قلت وقولک الحق ظهر الفساد فی البر والبحر
بما کسبت ایدی الناس فاظهر اللهم لنا ولیک وابن بنت
نبیک المسمی باسم رسولک صلواتک علیه وآله
حتی لا یظفر بشیء من الباطل الا مزقه ویحق الحق
بکلماته ویحققه اللهم اکشف هذه الغمة عن هذه
الامة بظهوره انهم یرونه بعیدا ونراه قریبا وصلی الله

على محمد ايضا ختم تعقيب بعد هر نماز باين زيارت نمايد واله
السلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا محمد بن عبد الله السلام عليك
يا خيرة الله السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك
يا صفوة الله السلام عليك يا امين الله اشهد انك
رسول الله واشهد انك محمد ابن عبد الله واشهد انك
قد نصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وعبدته
حتى اتاك اليقين فجزاك الله يا رسول الله افضل جزا
نبيا عن امته اللهم صل على محمد وال محمد افضل ما صليت

على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد [illegible]
و ادعيه ماثوره بعد از نماز صبح است بسم الله الرحمن الرحيم
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم هر كه اين دعا را
بعد نماز صبح هر صباح [illegible]
بسم الله وصلى الله على محمد وال محمد افوض امري
الى الله ان الله بصير بالعباد فوقيه الله سيئات ما مكروا
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل

لم يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله
وان كره الناس حسبي الرب من المربوبين حسبي
الخالق من المخلوقين حسبي الرازق من المرزوقين
حسبي الذي لم يزل حسبي منذ قط حسبي الله
الذي لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم بجهت ادای دین و وسعت معیشت بعد از نماز صبح بخواند
توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي
لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له

ولي من الذل وكبره تكبيرا اللهم اني اعوذ بك من
البؤس والفقر ومن غلبة الدين والسقم واسئلك
ان تعينني على اداء حقك اليك واداء حقوق الناس
والى الناس مدتی و باینکه با توجه و حضور ما شر ثمار ادراک شبها مستحب
کرده وقت خواندن در شبها بلند تا پنبه بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله
العظيم وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
ایضا بخواند اللهم اهدني من عندك وافض علي
من فضلك وانزل علي من بركاتك بعد از نماز صبح بخواند
اللهم صل على محمد وال محمد واهدني لما اختلف

فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط
مستقيم [بعد از سه مرتبه بگوید] لا اله الا الله الها واحدا
ونحن له مسلمون لا اله الا الله ولا نعبد الا
اياه مخلصين له الدين ولو كره المشركون لا اله
الا الله ربنا ورب اباءنا الاولين لا اله الا الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و
وهو على كل شيء قدير سبحان الله كما سبح الله شيء
وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله ولا اله الا الله كما هلل الله

شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كما حمد الله
شيء وكما يحب الله ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء
وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم
وجهه وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر عدد كل نعمة انعم بها على وعلى
احد ممن كان ويكون الى يوم القيمة [تعقيب مخصوص]
[خلف نماز ظهر اينست] يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم

بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز
يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل
نجوى ومنتهى كل شكوى يا كريم الصفح يا عظيم
المن يا مبتدئ بالنعم قبل استحقاقها يا ربنا يا سيدنا
ومولانا ويا غاية رغبتنا اسئلك يا الله ان لا
تشوي خلقي بالنار تعقيب نماز عصر استغفر الله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذو الجلال
والاكرام واسئله ان يتوب على توبة عبد ذليل
خاضع فقير بائس مسكين مستكين مستجير لا يملك

لعنه

لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا
تعقيب نماز مغرب اللهم اني اسئلك بحق محمد وال محمد
عليك صل على محمد وال محمد واجعل النور في
بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي
والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والسعة في
رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني ايضا تعقيب نماز
نماز صبح و مغرب پيش از تكلم با هيچ كس در حال تشهد بنشيند و با الحمد سوره بخواند و بگويد
ان الله وملئكته يصلون على النبي يا ايها الذين
امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم صل على محمد

تعقيب مختص نماز عشا

اللهم صل على محمد وال محمد واحرسني
بعينك التي لا تنام واكنفني بركنك الذي لا يرام
واغفر لي بقدرتك علي يا ذا الجلال والاكرام
اللهم اني اعوذ بك من طوارق الليل والنهار
ومن جور كل جائر وحسد كل حاسد وبغي
كل باغ اللهم احفظني في نفسي واهلي ومالي
وجميع ما خولتني من نعمك اللهم تولني من نعمك
اللهم تولني فيما عندك مما غبت عنه ولا تكلني
الى نفسي فيما حضرته يا من لا تضره الذنوب ولا

تنقصه

تنقصه المغفرة اغفر لي ما لا يضرك واعطني ما لا ينقصك
انك انت الوهاب اللهم اني اسئلك فرجا قريبا وا
صبرا جميلا ورزقا واسعا والعفو والعافية في الدنيا
والاخرة اللهم صل على محمد وال محمد واغفر لي و
لوالدي وللمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم
والاموات اللهم اجعلني ممن يكثر ذكرك ويتابع
شكرك ويلزم عبادتك ويؤدي امانتك اللهم
طهر لساني من الكذب وقلبي من النفاق وعملي
من الرياء وبصري من الخيانة انك تعلم خائنة الاعين

وما تخفي الصدور اللهم رب السموات السبع وما اظلت
ورب الارضين السبع وما اقلت ورب الرياح وما
ذرت ورب كل شيء واله كل شيء وخالق
كل شيء ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل واله ابرهيم
واسمعيل واسحق ويعقوب اسئلك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تتولاني برحمتك وتشملني
بعافيتك وتسعدني بمغفرتك ولا تسلط علي
احدا من خلقك اللهم اليك فقربني وعلى حسن الخلق
فقومني ومن شياطين الجن والانس فسلمني

در

وفي اناء الليل والنهار فاحرسني وفي اهلي ومالي
وولدي واخواني وجميع ما انعمت به علي فاحفظني
واغفر لي ولوالدي ولسائر المؤمنين والمؤمنات
يا رب الباقيات الصالحات انك على كل شيء قدير
نعم المولى ونعم النصير برحمتك يا ارحم الراحمين
الحمد لله رب العالمين وصلوات الله على سيدنا محمد
النبي واله [illegible] الطاهرين

[illegible]

صلوات الله عليهما [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله صلی الله
علیه و آله امامی و فاطمة بنت رسول الله صلوات الله
علیها فوق راسی و امیر المؤمنین صلوات الله
علیه عن یمینی و الحسن و الحسین و علی و محمد و
جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة وجعفر
صلوات الله علیهم اجمعین عن شمالی و ابوذر
و سلمان و عمار و مقداد و حذیفة و اصحاب
رسول الله رضی الله عنهم من ورائی و ملائکته
علیهم السلام حولی فالله ربی تعالی شانه و تقدست

اسمائه محیط بی بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ
حافظا و حفیظی فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که هر کرا
بسوی خداوند حاجتی باشد وضو ساخته دو رکعت نماز حاجت بگذارد
تسبیح حضرت زهرا صلوات الله علیها را بگوید و بعد از آن [illegible]
یکصد مرتبه بگوید یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی بعد سمت راست صورت را
بمهر گذارده یکصد مرتبه بگوید بعد سمت چپ صورت را بمهر گذارد و
یکصد مرتبه بگوید که از آن دوباره بسجده رفته یکصد و ده مرتبه بگوید که
مجموعا چهارصد و ده مرتبه بوده باشد و در سجده هر حاجتی که داشته باشد بطلبد حضرت

فرمودند بحق الحق که محمد پیغمبر فرستاده است که هنوز در سجده است

که حاجتش برآورده او بکرات به تجربه رسیده و ایضاً از برای

حاجات مهمه و مطالب عظیمه نسبت به آنکه سرانجام لاعلاج است چهار ضرب و طریقه

این است که سه شنبه هزار و یک بار بر یک جمع کند و نوع چهار مکان خلوت را

کسی را او مشغول نماید و دو رکعت نماز حاجت بکند الحمد و بعد از فراغ نماز تسبیح حضرت

علیها السلام بگوید و سجده فرمود خدا قسم بحق آل عبا علیهم السلام در اجابت

دعا خود و بعد از آن در حکمت خود کوه حفر نماید و شروع کند بلعن باطل

اللهم العن عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر

اللهم العن عمر و هزار یک بار ... در میدان ...

در نیره نماشوق در سنت ماه ارکان کند و شروع کند بصلوات و هزار صلوات بفرستد و بعد

تکلم ننماید اگر در هفته حاجتش روا شد فیها المطلوب و الا در هفته دیگر مشغول شود

مصلحی حاجت دعا او در نحو باشد بهم رسانکرده هفته حاجتش برآورده است

و هر که در اثر استجابت این عمل شک و ریب کند قطعاً در بوستانش

صلی الله علیه و آله فطوبی هست و ایضاً از جمله ختمها که از اصحاب

نفوس کامله مانند میر داماد علیه الرحمه بما رسیده و بکرات تجربه شده است

و از جمله مجرب ختم صلوات است بجهت هر مطلبی خواصه ادا دین و سید

مثل بعضی و مثل با خلاف خود عهد نماید که پس و هر روز پانزده هزار صلوات

نذر کند هر که بفرستم چهارده هزار از برای چهارده معصوم و یک هزار برای

شهدای صحرای کربلا البته هنوز ختم آن تمام نشده است که حاجت بر آورده است

و میر داماد علیه الرحمه ذکر نموده اند که تشنگی هم و بر نحوی که ذکر آید باید

که اقدام نموده باشد باین عمل که قبل از اتمام ختم حاجت او روا نشده باشد

و محققان تصریح کرده اند که با وضو باشد و صلوات را بفرستد نشسته رو بقبله با آنکه

بی وضو و در ظرف مدت چهل روز یا اربعین یا اکثر یا زیاده مختار است

بانچه مذکور گردید عمل کند بهما قسم معمول دارد و لکن اگر چنانچه کسی از این

رو بستان در درگاه اله اجابت خواهد چنانکه مکرر با جناب و اصل عرض کرده ام

این است که هر وقت مطلب بتمام هر چه مقصد صلوات با وضو بعد از نماز

که فرصت داشته باشد بفرستد که البته اثرش زود ظاهر شود

از جمله اسرار مکنونه که از حضرات ائمه علیهم السلام رسیده است که هر کس

بیاموزید و از نا اهل مجهول بپوشید و در مکنون بود نیش بکوشید که مبادا بنا مشروع

با فضل اقدام نماید در شغال که هر که خواهد اسما از آمده

باز مهین ابرام بر پا کند و یا با عمل کامل و فوز این عمل

که روز جمعه بعد از زوال ظهر غسل نماید و بعد وضو ساخته و رو بقبله نشسته هشتصد و چهل و هشت

مرتبه بگوید علی تا جمعه دیگر هر روز وضو ساخته رو بقبله نشسته بگوید علی

هشتصد و چهل و هشت مرتبه تا جمعه دیگر که تمام خمس و لکن جمعه تا دیگر

علی یا علی بگوید بلفظ علی علی علی علی البته از آن ماهلش

۱۲۷۲ فی

... الله علی

بسم الله الرحمن الرحيم مكية ... قل ... تعدل ...

قل يا ايها الكافرون لا اعبد ما تعبدون

ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم

ولا انتم عابدون ما اعبد لكم دينكم ولي دين

سورة مكية بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم

يولد ولم يكن له كفوا احد سورة مكية بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق

اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر

حاسد اذا حسد سورة مكية بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب الناس

ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس

الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس

بسم الله الرحمن الرحيم ... يا مالك الرقاب ويا هازم

الاحزاب ويا مفتح الابواب ويا مسبب الاسباب سبب لنا

سببا لا نستطيع له طلبا بحق لا اله الا الله محمد

رسول الله علي ولي الله وصلى الله على محمد وآل محمد

تحصنت بحصن لا اله الا الله سوره محمد رسول الله

بابه علي ولي الله حجبه الف الف لا حول ولا قوة

الا بالله العلي العظيم تمت ... كتبه محمد علي ابن محمد مؤمن الحسيني في سنة ١٢٠٣

شیخ حر عاملی ره این دعا را از امام زین العابدین ع نقل کرده

بسم الله الرحمن الرحیم یا اسمع السامعین
و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین و یا
احکم الحاکمین و یا خالق المخلوقین و یا رازق
المرزوقین و یا ناصر المنصورین یا ارحم الراحمین
یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین یا مالک
یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین یا صریخ
المکروبین و یا مجیب دعوة المضطرین انت الله
رب العالمین انت الله لا اله الا انت الملک الحق
المبین الکبریاء ردائک اللهم صل علی محمد
المصطفی و علی المرتضی و فاطمة الزهراء و خدیجة
الکبری و الحسن المجتبی و الحسین الشهید بکربلاء
و علی بن الحسین زین العابدین و محمد بن علی الباقر
و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر الکاظم
و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی التقی الجواد
و علی بن محمد النقی الهادی و الحسن بن علی

الزکی العسکری و الحجة بن الحسن القائم الامام
المنتظر المهدی صلوات الله علیهم اجمعین
اللهم وال من والاهم و عاد من عاداهم و انصر
من نصرهم و اخذل من خذلهم و العن من ظلمهم
و عجل فرج آل محمد صلعم و انصر شیعة آل محمد
و اهلک اعداء آل محمد صلعم و ارزقنی رؤیة
قائم آل محمد و اجعلنی من اتباعه و اشیاعه
و الراضین بفعله برحمتک یا ارحم الراحمین

در قنوت بخواند

اللهم اغننی بالحلال عن الحرام و بالطاعات عن
المعاصی و بالغنی عن الفقر و بالجنة عن النار
و بالابرار عن الفجار یا من لیس کمثله شیء و هو
السمیع البصیر ایضا قنوت دیگر ربنا آتنا فی
الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا برحمتک
عذاب النار و عذاب القبر یا عزیز یا غفار برحمتک
یا ارحم الراحمین

کربلا معلا نجف اشرف

کربلا حلا

(۲)

۱۲۹۲

این کتاب در دوم ذیقعده یکهزار و دویست و نود و دو نوشته شده است

سنه ۱۲۹۲

رباعی گر شب همه شب همی بدم / وانگه همه کار را کنم لیک

زنهار تو یادگار بمانی / ... دبستان است

خدا بیامرزد آن که این کتاب را

به این خوش خط و خوبی نوشته است

۱۳۷۴ سنه ۱۴۲۹ مطابق ۱۳۳۳/۹/۵

مال حسن

این کتاب از سنه ۱۲۹۲ مال

روز سه شنبه دوم ذی القعده

در حالیکه او در ...

یکهزار و دویست و نود و دو ۱۲۹۲ نوشته شد